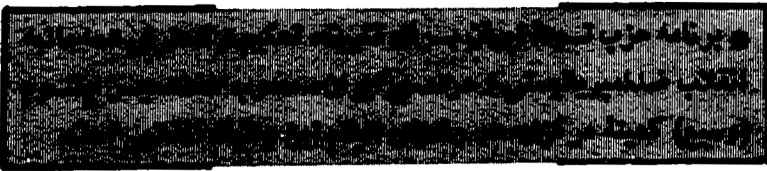


تنظیم و ارائه پیشنهادهای برنامه‌های سازنده، وظیفه انقلابی است



با کلی‌گویی هیچ مسئله‌ای حل
نیشود. اگر فقط بگوئیم که در
کشوریکاری هست و بایدیکاری
ازین بیرون کجی به رفع
بیکاری نکرده‌ایم که سبب است
در افکار عمومی نیز نوعی بدبینی
از طریق بیان این عارضه و عدم
ارائه راه درمان آن، بوجود
آوردیم. اگر فقط بگوئیم
گراپیروز اقرون استولی ریشه
ویدایش گران، سبب وشرقت آن
طریق مبار و بزطرف کردن آنرا
نشان ندیم، نمک بر روی زخم
پاشیده‌ایم. همانطور که با حلوا
کتن دهان شیرین نمی‌شود، با
کتن و فلان سر دادن که درد
هست، درد درمان نمی‌شود. هرمنم
و شخصیت و نهاد و سازمان و
حزب، امروز اگر انقلابی استو
خواستار علاج دردهای اقتصادی
چی در صحنه ۴

کشورما با مشکلات بزرگ و
مسائل مهمی دربرویم است که اولاً
از رژیم گذشته به جمهوری اسلامی
ایران بهارث رسیدمانند: قانون
مربوط به دوران گذار انقلابی است
قانونی از جنگ تجاوزی است
که بر ما تحمیل شده است.
رایجا نتیجه زیاددروپا، ندانیم
کاریها، اشتباهات، انحصارطلبی
و تشری‌گری است. رفع این
مشکلات بزرگ و حل این
مسائل مهم، در همه عرصه‌های
زندگی، نیاز به برنامه‌ریزی‌های
کوتاهمدت و دراز مدت، برپینی
مطالعات دقیق و استفاده از نظریات
و پیشنهادهای مشخص‌شخصیتها
و صاحب نظران سازمانها و نهادهای
جسیتها و احزاب سیاسی دارند.

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران
دوره هفتم، سال سوم، شماره ۵۰ - چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۰
مطابق با ۱ رجب ۱۴۰۱ - به شماره ۱۵ روال

نمایش ناهنجار

**(در باره باصلاح دادگاه
بین المللی استکهلم علیه
افغانستان و اتحاد شوروی)**
این روزها در استکهلم، پایتخت سوئد، باصلاح دادگاهی
علیه افغانستان و اتحاد شوروی تشکیل شده است، که هدف
آن نامزدین به تبلیغات ضدانقلابی و ضد شوروی، براتبار
کردن انقلاب افغانستان و پوشاندن مداخله مسلحانه آمریکا
الکستان، چین، پاکستان، اسرائیل، مصر، عربستان سعودی
و سایر نیروهای امپریالیستی و مرتجعین منطقه در افغانستان
است. نویسنده شوروی «آرود رودبرگ» به این نمایش
مقایسه نوشته، که توسط نشر گزیری نویسنده اشتراکات
است. در زیر ترجمه این مقاله به اطلاع خوانندگان گرامی
میرسد.

در استکهلم باصلاح دادگاهی تشکیل شده، که به بررسی
به جرمنامه افغانستان، اختصاص دارد. سازماندهندگان این دادگاه
- نمایندگان باصلاح روشنفکران چپ بورژوازی ارتجاعی افرامی،
شخصیتهای کینه توز بدنام و «ایدئالیستهای فریب خورده هستند»
به دادگاه شکل محاکمه داده شده و موضوع محاکمه، بررسی
اتهام وارده به اتحاد شوروی دلتربه کشد به مردم افغانستان است.
از جارجونال تبلیغاتی که برپا شده، ویداست که حکم دادگاه
از پیش تعیین گردیده: اتحاد شوروی به مداخله اشتراکگری و
تبهکاریهای جنگی علیه مردم افغانستان، محکوم خواهد شد. بدین
شکل، نمایش ناهنجار و صییب و ترمیس برای جرایم غریبه با ساز
ارتجاع بین المللی وخصوصاً امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، ترتیب
داده میشود.
در برابر افغانستان و انقلاب نوای آن، مشکلات بسیاری قرار
گرفته، که گاهی حتی سابقه نداشته است. ولی هیچ چیز حاکی از
آنست که مردم افغانستان از عهد وظایفی که در مقابلشان قرار داده
ببخوشی برخوردارند آمد بدینست است که قبل از همه باید به جنگ
اعلان شده‌ای که از سال ۱۹۷۸، یعنی پس از انقلاب آوریل، علیه
افغانستان ادامه دارد، پایان داده شود. در این جنگ خونین، برای
مستحقات اشراق و رازخون علیه مردم افغانستان - مستحاجی که درغرب
به درجه «مبارزان راه آزادی» رسانده شده‌اند. برای تبلیغات غریبه
تشی مهمی در نظر گرفته شده است. باصلاح دادگاه «افغانستان» در
استکهلم باید خدمت خود را در این مقلع انجام دهد و از آن
تاریک‌اندیشان قرون وسطی، سوداگران مواد مخدر، قهقهچیان
اسلحه، مستکبران تروال و اشراقی که تبلیغات ارتجاعی نام مقدس
جبریکه به آنها داده، پشتیبانی مستقیم کند.
در بیانیه‌ای که خطاب به دادگاه، در جرایم سوئد منتشر شده،
پشتیبانی شوروی از مردم افغانستان، مشابه خطری که صلح بین المللی
را تهدید میکند، قلمداد شده است. ولی معلوم نیست که چرا در این
بیانیه حتی کلمه‌ای هم از کمک علی یا محضی اسرائیل، مصر،
عربستان سعودی، ایالات متحده و انگلیس به نیروهای ضدانقلاب
سخن گفته نشود. براساس منطق چلی تبلیغات غریبه، این جنگ
اعلان شده علیه مردم افغانستان، بلکه کمک اتحاد شوروی در حمایت
از اصلاحات ترقیخواهانه در یگر از عقب‌افتاده‌ترین کشورهای جهان
است که صلح را تهدید میکند!
گزارش‌های واقعی و حقایق مربوط به تنش اتحاد شوروی در
افغانستان محکوم نگه داشته میشود. حقیقت آنست که اتحاد شوروی
در دسامبر سال ۱۹۷۹، به درخواست مکرر و مبرانه دولت افغانستان
و شوروی انقلاب در کابل، مینویز پشتیبانی نظامی برای دفع تجاوز
خارجی، پاسخ مثبت داد. علاوه بر این، کمک نظامی شوروی یکلجینه
محدود داشت.

اسناد جاسوسخانه آمریکا

به استفا کند کارشناس سیاسی
گفت: این کاری نیست که آمریکا
بتواند انجام دهد و حتی کوشش
در اینجهت خطرناک خواهد بود.
حصول توافق ضروری و حیاتی
است و تلاش خبیثی برای برپایی
دولت رقیب هنگام بازگشت خیلین
خطرناک خواهد بود. منع گفت:
نیفت آزادی میخواست که در
مورد متابع آمریکا در ایران
گفتگو کند تا از برخوردیهای
احتمالی آینده جلوگیری شود.
موضوع منع میانه رو مذهبی
اشاره کرد که ملاقات با ارتش
جانی بوده و گزارشات مینویز
اختلافات در رهبری مذهبی را
تایید کرد.
(انتشاری شماره ۱۰، صفحه ۴۰)

**ملاقات بازرگان و
سعلی با مقدم و
قره باغی**
(در قسمت شماره ۱۵۱۲، مورخ
۵۷۱۱۲۴)
در ۳۰ و ۳۱ ژانویه طی ملاقات
با مسئول سیاسی دکتر منجانی
اطلاعاتی راجع به محامله‌ای با
دولت ایران که به برنامه‌های
برگشت منجم میشده تبادل شد.
ژنرال منجم (ساراک) قریلیقی
(ترجمنده قوا) یا منجمس مهدی
بازرگان و دکتر یدالله سعایی
دربران ارشد نیفت آزادی شب
۲۹ ژانویه ملاقات کردند. متاسفانه
حجت الاسلام بیشتی و آیتالله
رفسنجانی (که قرار بود بیایند)
آنها نبودند. آنها از فیت
مضروغی کرده و گفته که در
تصن داننگاه تهران درافتراس
به کشتارهای ارتش در ۲۸ و ۲۹
ژانویه شرکت کرده‌اند (نظر: این
درواقع ضمه دومی است که بیشتی
از رودروری با ویران امپلی
ارتش سرباز زخم ولی ظاهراً
قرمیلی دستور دارد که محامله
کند، چون مشکلی پیش نیامده)
هم مقدمه بازرگان ویدایه میانی
گفته بودند که بلوجود نیست
سرتان منجمی ملاقات خلی مفید
بوده است. مردان ارتش و نیفت
چی در صحنه ۴

سیاست خارجی مستقل و فعال

تأمین استقلال و امنیت ملی
و شرایط مناسب برای شکوفایی
اقتصاد کشور و مردم اجرای سیاست
خارجی مستقل و فعال و متناسب
یا نیازهای انقلاب ایران مقدور
نیست. سیاست خارجی ایران در
زمان رژیم سرنوگون تسلطت
وایسته علمی جیوسازیمولیت
تجاوزگرانه امپریالیسم جهانی
این سیاست باید از ریشه درگرون
شود و سیاست خارجی ایران بر
اسول زیرین استوار گردد:
۱- برقراری مناسبات دوستانه
با همه کشورهای جهان که
استقلال مبین ما را به رسمیت
می‌شناسند و حاضرند از تلاش
خلق ما برای تحکیم این استقلال
پشتیبانی کنند.
۲- تلاش ایران برای شرکت
فعال در جنبش غیرمتحدها؛
۳- هواداری ایران از اسول
هنریتی مسالمت آمیز و دفاع از
صلح؛
۴- امتناع بیکر ایران از
شرکت در هرگونه پیمان تجاوز-
کار امپریالیستی نظامی و یا
شیطانی؛
۵- تلاش سیاسی برای آزاد-
ساختن خلیج فارس و دریای
عمان از هرگونه دخالت نیروهای
بیگانه؛
۶- مخالفت و مبارزه فعال
سیاسی برای جلوگیری از امتداد
قراردادهای نظامی تجاوزکارانه
در منطقه خلیج فارس و دریای
عمان به کارگردانی امپریالیستها؛
۷- تلاش برای اعتماد یک
پیمان امنیت جمعی در منطقه خاور-
ترویک و میانه و سراسر آسیا؛
۸- حمایت منجانبه از جنبشهای
زادپریشی ملی در کشورهای
استعماری، به ویژه از جنبش
خلق فلسطین، برای درهم شکستن
سلطه نظامی امپریالیسم در منطقه
خاورمیانه و خلیج فارس.

در صفحات بعد

بابی سندز!

مقاله ۸
**حفظ امنیت
دانشگاهها را
به دانشجویان
و دانشگاهیان
مؤمن به انقلاب
بسیارید**

انقلاب فرهنگی ومار کسپسم

مقاله ۲
دو هفته یک مقاله روزنامه
«جمهوری اسلامی»

توسط روزندگان انقلاب:
**یک گردان نیروی کلاه سبز لشکر کرکوک
تارومارش**
حاصل از تیرد روزهای ۱۳ و ۱۴
اردیبهشت را تشریح کرد. بنابر
این اطلاعیه، از ساعت ۵ صبح
۱۴ اردیبهشت در یکی از جبهه-
های منطقه دزفول ضمن اقدام
حمله کرد که با مقاومت نیرو-
های رزمده ما در این جبهه منع

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی گفته شد:

مسئولان اجرایی کشور باید حتی المقدور زمینه‌های نارضایتی را کمتر کنند

مردم خواستار اعمال قاطعیت از ارگانهای مسئول هستند و وجود و گسترش شوراها باعث سروسامان یافتن اوضاع جامعه می‌شود.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، یکی از نمایندگان ملی سخنانی، خواستار اعمال قاطعیت مسئولین در مقابل عوامل ضدانقلاب شد. اولین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز، محسن مجتهد شبستری، نماینده مردم تهران، ملی سخنانی، با اشاره به درگیرها و تنجاتی که از سوی عوامل ضدانقلاب در نقاط مختلف کشور صورت می‌گیرد، گفت:

«سخنان داخلی یا ابراهام از اربابان خارجی، چون از شکست نظامی ایران مایوس شدند... دست به توطئه‌ها زدند. آفرینها و آشوب و تنج می‌زنند. ناطق ضمن اشاره به اینکه «از سوی مسئولان کشور اعمال قاطعیت لازم دیده نمی‌شود، از جمله سؤال کرد:

«آیا این بر تصمیم‌ها و ترس از بدتر شدن اوضاع و گوش دادن به حرف این و آن واهمه از تسلیم به شاتازهای سیاسی بعضی قلم‌بستان و مداراهای غیر-انقلابی به بهانه حفظ آزادی، آثار (ششمن داخلی انقلاب) جری‌تر و حاکمیت قانون و سازد... آیا استمرار و حاکمیت قانون و رفتار با ضدانقلاب طبق مقررات زمان جنگ، که مکرر وعده و وعده می‌شود، جز با سرکوب ضدانقلاب ممکن است؟»

ناطق همچنین با اشاره به اینکه بسیاری از افرادی که به صف «مخالفین» انقلاب می‌پیوندند، یا افرادی «تاکا» و فریب‌خورده هستند، یا بعلم «نارسیاتی» که در قسمت‌های مختلف اجتماعت مشاهده

گردانده، که ناساعدیون اوضاع اقتصادی در آن سیم بسزائی دارد، مخالف شدمانده، از مسئولین رسانه‌های گروهی و بخصوص مسئولین صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران خواست که «برنامه‌های پست آزاد را هر چه زودتر قریب دهند. وی همچنین افزود: «از سایر دست‌اندرکاران و مسئولان اجرایی کشور میخواهم که حتی الامکان زمینه‌های نارضایتی را کمتر فراهم کنند و در انتخاب مجریان و کارمندان دقت بیشتری بفرج دهند.»

ناطق گفت: «مردم از مجلس شورای اسلامی انتظار دارند، سرعت عمل بیشتری نشان‌دهند و لوائح اساسی مانند لوائح احزاب و گروهها و مطبوعات را هر چه زودتر تصویب و تکلیف همگان را روشن کنند.»

ناطق بعدی قبل از دستور، اسدی‌نیا نماینده اهواز بود که با اشاره به جنایات تجاوزگران صدامی در جبهه‌های جنگ، از ترور حسین پژوهنده، سرپرست دانشکده علوم اهواز و عضو شورای بسیج مستضعفین این شهر، توسط عوامل ضدانقلاب سخن گفت و این عمل را جنایتی همانند «جنایات صدام» دانست.

حجت‌الاسلام خلیلی، نماینده مردم قم، نیز به عنوان اخطار قانونی و با استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خواستار پاسخگویی سریع مسئولین به سئوالات نمایندگان مجلس شد.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در پاسخ، ضمن اشاره به بعضی کارهای خوبی که در دستور مجلس قرار می‌گیرد از نمایندگان

خواست که بعضی از سئوالات را بصورت تذکر به مسئولین بدهند. آنگاه مجلس وارد دستور شد و طرح عدم‌ای از نمایندگان درباره «تفیک امور جنگ‌زدگان» در حضور شورای نگهبانیه بحث گذاشته شد. طبق این طرح برای رسیدگی به مشکلات اقتصادی، بهداشتی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جنگ‌زدگان، بنیادی، که دارای شخصیت حقوقی است، زیر نظر معاون نخست‌وزیر تشکیل می‌شود. درباره این طرح چندتن از نمایندگان بصورت موافق و مخالف سخن گفتند. در پایان بحث، خبر کمیسیون اخلاخه به سئوالات پاسخ گفت و پس از توضیحات مریضیه، نماینده وزارت کشور، درباره کلیات این طرح رای گیری شد و به تصویب رسید.

آنگاه بحث در مورد جزئیات این طرح آغاز شد و پیشنهادها نمایندگان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در ادامه این بحث، ضرورت وجود «شورائی» که در این طرح گنجانده شده است، از جمله گفت:

«ایجاد و گسترش شوراها، موجب سروسامان‌دادن بهتر به اوضاع و احوال جامعه و ختمی کردن توطئه‌هاست، که متأسفانه هنوز بطور جدی به آن نپرداخته‌ایم. بایستی تلاش کنیم این اصل مهم را در زنده امور خود جاری کنیم.»

بعلم پایان وقت مجلس، ادامه بحث در مورد جزئیات این طرح، به جلسه فردا موکول شد. همچنین در این جلسه ۲ لایحه از سوی دولت به مجلس تقدیم و به کمیسیونهای مربوطه ارجاع شد.

تنظیم و ارائه...

بچه از صفحه ۱ اجتماعی و فرهنگی، خواستار نو سازی کشور بود زحمتکشان، رشد کشور و تأمین نیازمندیهای مادی و معنوی توده‌های میلیونی مردم است. باید راه چاره دردها را نشان دهد، و گرنه، کلی گوش و پرگوشی درباره وجود دردها، هر قدر زیاد تحقیق کند، آن‌قدر، حل مشکلات و مسائل مبتلابه کشور نیست.

بچه از صفحه ۱ یکی از مشرات بزرگ تنج، سایه‌افکندن بر روی این وظیفه، اختلال در انجام آن است. با آراش سیاسی بهتر و بیشتر روشن میشود که وظیفه اصلی در رفع مشکلات و حل مسائل، تدوین و ارائه برنامه‌های سازنده برای رفع دشواریها و بظانر نوسازی انقلابی کشور است.

نیاز جامعه به مسائل گوناگون...

برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط ملایم را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. چگونه؟ برای پاسخ به این سئوال، کار عظیمی باید صورت گیرد، تا اولاً نیاز جامعه به مشاغل گوناگون مشخص شود؛ ثانیاً بر آن مینا امکان اشتغال به کار برای همه افراد فراهم گردد؛ ثالثاً شرایط برای تحقق این امکان ایجاد گردد؛ رابعاً بر اساس استفاده از این شرایط، همه افراد به کار جلب و به کار گمارده شوند. هر کدام از این بندهای چهارگانه، عرصه فعالیت بزرگی است.

یا مثلاً میدانیم که یکی از مسائل بزرگ مبتلابه کشور، مسئله تأمین مسکن برای اهالی است. در قانون اساسی تصریح شده است که: «تأمین مسکن مناسب بابتیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است، یا رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، بخصوص روستائیان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.»

کمک مالی...

هر يك از ديگر مسائل مهمی که حل آنها در برابر کشور قرار گرفته: اصلاحات ارضی، سود زحمتکشان روستا، رشد کشاورزی، ایجاد صنایع مادر و توسعه صنایع، دولتی کردن بازرگانی خارجی، ایجاد شبکه تعاونیهای تولیدی و تعاونیهای مصرف در سطح کشور، تأمین خدمات پزشکی برای عموم، آموزش رایگان تا حد متوسطه برای همه کودکان و نوجوانان، رشد دانش و علوم و فنون و نحوه استفاده از علوم و فنون و تجارب بشری و دردها مسئله دیگری، که بدون حل آنها، توسازی کشور ممکن نیست، هر يك نیازمند برنامه‌ریزیهای کوتاه مدت و درازمدت دقیق و همه‌جانبه بررسی شدمو تنظیم شده است.

این برنامه‌ریزیها را میتوان و باید کمک پیشنهادها سازنده و طرحهای تنظیم و تدوین کرد، که از جانب همه نیروها و نهادهای انقلابی راستین ارائه داده شوند. هر کسی بقدر امکان خود باید در این زمینه کوشش بعمل آورد. هر کسی سعی در کمک به برنامه‌ریزیها نکند، از انجام وظیفه انقلابی که بر عهده دارد غفلت یا عدول کرده است.

يك كردان...

در منطقه غرب اهواز، با آتش نیروی کمین ارتش جمهوری اسلامی ایران روی یکانهای دشمن، بیست تن از سربازان عراقی به هلاکت رسیدند. در جبهه آبادان در نتیجه اجرای آتش توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران يك تانک، يك قنقک ۱۰۶، يك ساختمان محل تجمع دشمن، چندین سنگر انفرادی و چند قبضه آر.بی. جی ۲ نابود و ۹۰ نفر از نیروهای متخاصم کشته و زخمی شدند. در جبهه آبادان، سه راهی ماهشهر، نیز بیست تن از قوای دشمن به هلاکت رسیدند.

جنايتكاران رژیم صدام آمریکائی در دو روز گذشته نقاط مسکونی شهرهای آبادان، اهواز، دزفول را با آتش توپخانه و خیمه‌انداز هدف قرار دادند. در جریان این حملات وحشیانه علاوه بر خسارات مالی و تلفات واحدهای مسکونی تعدادی از هوپلطان عزیز ما در شهرهای مزبور شهید و مجروح شدند. چگونگیهای نیروی هواپیمارکن جمهوری اسلامی ایران روز ۱۴ اردیبهشت نیروهای دشمن را در منطقه جعفر در جنوب سوسنگرد مورد حمله قرار دادند و خسارات و تلفات قابل ملاحظه‌ای به دشمن وارد آوردند. يك ستون خوددرو دشمن که در چاده فار - چهره در حرکت بود هدف آتش یکانه‌های دلادر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و تلفات سنگینی به آنها وارد و از ادامه فعالیت‌هایشان جلوگیری بعمل آمد.

پیام شادباش

سازمان حزب توده ایران در بروجن به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رقتای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران رقتای شما در سازمان بروجن حزب توده ایران، با شغف و افتخار، از خیرتشکیل هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، این رقتا، گرمترین درودهای رقیفانه و صمیمانه‌ترین تبریکات خود را به دبیران منتخب پلنوم، اعضاء هیئت سیاسی، رقتای کمیته مرکزی و از آن طریق به همه اعضاء و هواداران رزمنده حزب تقدیم می‌دارند.

رقتای شما در سازمان بروجن حزب بدیتوسیله به شما اطمینان میدهند که نه تنها اهمیت تشکیل پلنوم هفدهم و دستاوردهای موفقیت آمیز آنرا در چنین دوران جوشان ویر تلاطم کشورمان، بدرستی درک می‌کنند، بلکه آرزومند آنند که شما یقین‌داشته باشید که این رقتا، به مسئولیتها و وظائف خود در برابر تصمیمات دوران‌ساز پلنوم و برنامه مصوبه آن بخوبی آگاهند و صبور و رزمنده، در جهت تحقق اهداف آن خواهند کوشید، تا نشان‌دهند که شایسته نام توده‌ای هستید.

اسناد جاسوسخانه...

بچه از صفحه ۱ آزادی در تقسیم کار برای استقبال از خمینی بتوافق رسیدند (ارتش) باید از فرودگاه و جاده‌های که به شیداد منتهی میشد، حفاظت کند و نفیست آزادی امنیت پدش را یسده داشته باشند) و گروه موافق بودند که ملاقاتهای دیگری هودر روزهای آینده مورد لزوم است. بقول میانجی افراد ارتش گفتند که با تغییرات سیاسی ضروری موافق هستند و ارتش در صورتی تغییرات اینها را قبول میکند که در چهارچوب قانون اساسی باشند. تم تحلیل و نظر: هم میانجی و هم انتظام مطمئن بودند که خطر اولیه بر خورد بین ارتش و نفیست مسلمانان به اندازه قابل توجهی کاهش پیدا کرده هیچکدام نمی‌توانستند اطمینان دهند که خمینی جمهوری اسلامی اعلام کند و بدین ترتیب مقابله سیاسی را برانگیزد ولی میانجی فکر میکرد خمینی با دیگر علمای قابل از اعلام موافق قاطع توافق کامل کرده است. انتظام گفت که برخلاف تومینه‌نفت آزادی خمینی تصمیم به برگشتن به ایران را گرفته بود.

مخصوصاً کلامی جمعی لشکر ۷ کرکوک به کلی تارومار شد و يك فرودت میگ عراق با آتش پدافند هوایی مورد اصابت واقع شد و در خاتمه عراق مقابل مرزبان سقوط کرد. در این عملیات ششانی از قبیل تجیزات مخبرانی- کلاسیکته آ. بی. جی ۲ و مهمات زیادی بدست قوای خودی افتاد و یکسند و پنجاه مین ضد نفر نیز کشف و ختمی شد. در جبهه‌های مهران و ایلام نیز يك خودرو و يك قنقک ۲، ۱۰۶ سنگر سلاحهای سنگین، ۳ سنگر گروهی و يك میدان مین دشمن منهدم شد و ۹ تن از افسراد دشمن متجاوز کشته و یا زخمی شدند.

انقلاب فرهنگی و مارکسیسم

در حاشیه يك مقاله روزنامه «جمهوری اسلامی»

الدين طوسي، اندیشمندان کبریا، به پیروی از ابعولی سینا (که او هم فیلسوف شیعه بود) شایسته اندیشیدن، ولی به منویات ابقیان داشت. اما مارکسیسم برای منویات و از آنجمله فرهنگ در تکامل اجتماعی، نقش مهم و درموردی تعیین کننده قائل است. والا این امر در حکم نفی خویش و نفی رهبری فکری و فرهنگی جامعه بود. در اینباره نیز به رد کنندگان مارکسیسم توصیه می‌کنیم که لااقل مقاله «درباره پویایی بینش مارکسیستی» را در ضمیمه تئوریک «نامه مردم» (دنيا، شماره ۸، سال ۵۹، صفحه ۳۷) مطالعه کنند. تا ببینند که آیا مارکسیسم «قافیه بردار» و «قالبی اندیش است یا نه».

مانعی خواهیم این نوشته را با تکرار مقالاتی، که بدانها اشاره کردیم و مراجعه دادیم، و بر از نقل قولهای روشن کننده از متفکران بزرگ مارکسیسم توصیه می‌کنیم. وقتی اسلام به معنای «طلب العلم» و «طلب العلم ولو بالصلی» یعنی شما را از خواندن آثار دیگران منع نمی‌کند، برعکس شما را به محض و کجنگاری فرامی خواند.

ما از هیچکس این توقع بیجا رانداریم که ما مارکسیسم یا با بینش حزب ماباز به منطقی نکند. ولی قرآن توصیه می‌کند: «ارغالی سویل ربک بالحکمه والموعظه الحسنه و جادلهم بالبرهانی هی احسن». شما وظیفه شرعی بالبرهانی است، مودب ترین و موثق ترین بیان منظره را بیاورد. این در باب است اخلاق اسلامی است. و اگر قلم انداز، هر چه دلتان خواست به مخالف نرسد، در این امید که «الحاد» راد می‌کند، سرانجام اعتماد نسبت به اتحاد و آگاهی و بصیرت خود را از دست خواهید داد.

ولی از دیدگاه جهان بینی انقلابی مارکسیسم، در شرایط زندگی و نبود رنجبران و در دوران حاکمیت ایشان چنین است، محتوی فرهنگ پرولتاری (ر.ک. به کلیات آثار لنن - جلد ۳۱) آنچه در کتاب ۲۹ - صفحه ۲۶ آمده است که مارکسیست‌های اصیل در «انقلاب فرهنگی» ماثوئیتی انتقاد کردند، جنبه ذهنیت سیاسی، جنبه نفسی آمیز آن نیست به فرهنگ گذشته، بشری بود و نه «عنیت» انقلاب فرهنگی، که هیچ انقلابی در جهان بدون آن نمی‌تواند پازرسی کند و راه بگشاید.

بعلاوه، مفید است که «رد کنندگان مارکسیسم» لااقل برنامه اخیر حزب توده ایران مصوب هفدهمین پنجم (وسیع) کمیته مرکزی را، که در بند ۶ خود، آموزش و پرورش و فرهنگ اجتماعی را مطرح می‌کند، مطالعه کنند. آیا آن پیشنهادها دلیل آنست که ذهن فرهنگی «و» قالبی برای «انقلاب فرهنگی» در خارج عنایت قائل نیست؟ آیا خود این مقاله حاضر دلیل بر آن درستی بودن دعوی مطروحه نیست؟

این حکم مضحک، که چون مارکسیسم از دیدگاه عمومی فلسفی ویر - با معلوم طبیعی موجود، به تقدم زمانی جهان بیجان بر جادو متقدم است و بر آنست که جهان جاندار از درون جهان

بیجان نشأت گرفته، پس ابتدا نقش برای امور روحانی و عقلی و فرهنگی قائل نیست، بهتان مبتذل کهنیست که از زمان مارکسیسم وسیله دشمنان آموزش وی مطرح شد و دانشمندان و انگلس و لنین به شدت رد شد.

فلاسفه شایسته ما هم به «قدم ماده» متقدم بودند، ولی این یعنی نفی آنها از اهمیت منویات نبود. خواهجمنیر -

روزنامه «جمهوری اسلامی» در تاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۳۶۰، مقاله در صفحه اول خود نوشت تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» در ابتدای مقاله از جمله این جملات را می‌خوانیم: «مارکسیسم با مجموعه در ایران و جهان، چیزی را بنام انقلاب فرهنگی قبول ندارد. علاوه بر این، تجربه انقلاب فرهنگی ماثوئیتی در چین، پیش ازینها، ذهن قافیه بردار و قالبی مارکسیست‌ها را بر این اندیشه جزم کرده است که انقلاب فرهنگی در خارج عنایت نخواهد یافت. اما پیش از آنکه تصدیق این ادعاهای دارو دسته چهار نفری، زیر عنوان انقلاب فرهنگی در چین، دخیل اصلی پروژین نوع تفکر در مارکسیسم باشد (؟) اصولاً جهان بینی و فلسفه تاریخی مارکسیست‌ها، بصورتی است که ثمره طبیعی و معمولی آن، همیگونه عقاید و راه است!»

بنیال این مطالب عجب تری می‌آید، حاکی از آنست که چون مارکسیسم جهان بینی «الحاد» و «ماده گرا» است، لذا «اندیشه و تفکر و عقاید را تابعی از تکامل و پیشرفت مواد میدانند» و بنا بر این در این دیدگاه امکان عنیت انقلابی بنام انقلاب فرهنگی موجود نیست!

کسیما برخی‌ها هر وقت نوبت به مارکسیسم می‌رسد، گویا این بیت مولانا جلال الدین مولوی را شعار خود قرار می‌دهند:

«هیچ آدابی و تربیتی محوی هر چه می‌خواهد دل تنگت بگوی ولی برخلاف تصور این افراد، که عادتاً باید ناشی از عدم علاقه آنها به بررسی مباحثی باشد که آنرا با این شدت و سختی شورش زده کرده و تبیین بر خورد بدون مسئولیت آنجاست در منازقات و مباحثات با مخالفان فکری، اتفاقاً مارکسیسم درست است جهان بینی است که مسئله «انقلاب فرهنگی» را در کار انقلاب‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نخستین بار مطرح ساخته و آنرا از لایفنگ و ضرور نو سازی نظام اجتماعی دانسته است. مادر این باره هم در خود «نامه مردم» و هم در ضمیمه تئوریک آن (شماره پنجم «دنيا»، سال ۱۳۵۹، صفحه ۶۹) توضیح مفصل داده ایم. ولی بنظر می‌رسد که «رد کنندگان مارکسیسم» آنرا خوانده اند و ظاهراً احتیاجی هم احساس نمی‌کنند که مارکسیسم را در سبب آن بررسی کنند، مگر اگر آن مطالب را خوانده بودند و از نظر وسیع و نقشه‌های همه جانبه مارکسیست‌ها «درباره» «انقلاب فرهنگی» خبر می‌داشتند، شاید مسائل را به حد اطلاعات «بولواری» و «هیجان انگیز» روزنامه‌های «پاره» یا «دشمنان نفرت» و انقلاب فرهنگی قالبی ماثو (که بعداً در تئوریک و مخالفان طرف را خدای می‌بود) تنزل نمی‌دادند و نظریات را جدی نمی‌گرفتند و او را آنقدر ابله و مبتذل نمی‌پنداشتند.

بسیار خوب! میل شامت! ولی یک چیز مسلم است: اگر مطلبی متضمن حقیقت باشد، مسکوت گذاشتن و پامس کردن خود سرانه‌اش در طول مدت اثری ندارد و پرتوهای خورشید از ضخیم ترین آبهای ابرسپاه، با انوار ثابت خویش می‌گذرند. لنین «انقلاب فرهنگی» را یکی از شرایط اساسی ساختن جامعه نوین به وسیله استیلا میدانست (رجوع کنید به کلیات لنین، جلد ۳۳، صفحه ۲۳۵) و نیز می‌نویسد:

«همه دستاوردهای فرهنگ باید در دسترس همگان قرار گیرد و از این پس هرگز خرد و تنوع انسانی نباید به وسیله ستفکری یا برهنگی بدل شود.» (کلیات آثار - جلد ۲۶، صفحه ۲۳۶). لنین در قبال کسانی که فرهنگ را پرولتاری «قالبی» متضمن نفی و خوار داشتن آثار فرهنگی گذشتگان اختراع کرده بودند، می‌نویسد: «نه فرهنگ پرولتاری «من» در آوردی، بلکه قبول بهترین نمونه‌های سنن و نتایج فرهنگ موجود انسانی،

حفظ امنیت دانشگاه‌ها را به دانشجویان و دانشگاهیان مؤمن به انقلاب بسپارید

بموتیست‌ها و خمینی، قرار است دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها آن رشته‌هایی که در درجه اول مورد نیاز مملکت هستند، کار خود را در زمانی هر چه کوتاه‌تر آغاز کنند. از مصاحبه‌های جعی و فردی از «افشا» ستاد انقلاب فرهنگی» با رسانه‌های گروهی نیز چنین مشهود است که حداقل چند دانشگاه در آغاز سال تحصیلی کثایش خواهند یافت.

دانشگاه‌ها زمانی تعطیل شدند که تحریکات از جانب گروه‌های راست افراطی، چه پرو و چه نفا، موسسات آموزشی را به عرصه درگیری و روبرویی گروه‌های مختلف بدل کرده بود. و اکنون که صحبت از بازگشایی مجدد دانشگاه‌هاست، باز همان تحریکات از جانب گروه‌های راست افراطی، چه پرو و چه نفا آغاز شده است و بیم آنست که همین نیروها، هر کدام با انگیزه‌های ویژه خویش، فشار دانشگاه‌ها را متوجه کنند و مانع از آموزش و فراگیری درجوی آرام شوند.

رویه‌داده‌ای که چندی پیش در تهران، به مناسبت سالگرد تعطیل دانشگاه‌ها، با وقوع بیوس و با کمال تاسف منجر به کشته شدن سفیر و زخمی شدن دهها نفر شد، نشان می‌دهد که بازگشایی دانشگاه‌ها می‌تواند از جانب گروه‌های راست افراطی، چه پرو و چه نفا، بهانه دیگری و جامعه آفرین باشد.

ضد انقلاب سازمان یافته، ساواکی - ها، ماثوئیت‌های آمریکائی و گروه‌های همزادشان، همراه با لیب‌های وابسته و مخاوقات کشور آرام گردید. برای آنها هر اخلاقی و غیر سیاسی، عده و غیر عده، بهانه‌های است برای ایجاد تشنج و دامن زدن به جو آتوب، تا زمینه را برای تحقق نقشه‌های سراندارزی امپریالیسم آمریکا آماده سازند.

از سوی دیگر، گروه‌های انحصارگر و قشری نیز بجای آنکه مقابله با اقدامات گروه‌های ضد انقلابی و نیروهای تفرقه و تفریق راه عهده مقامات مسئول بگذارند خود را در هر که می‌شوند در نتیجه کار به زد و خورد می‌کشند. «رخه» ضد انقلاب و ساواکی‌ها در میان این گروه‌ها کاملاً مشهود است. زیرا خواست ضد انقلاب فتنه‌انگیزی و آشوبگری است و این هدف باید راز بر هر نقاب و هر لباسی دنبال می‌کند.

بازگشایی دانشگاه‌ها مسلماً ضد انقلاب سازمان یافته، ساواکی‌ها، گروه‌های ماثوئیتی آمریکائی و نیز عناصر وابسته به لیب‌های مخالفان انقلاب و جمعی از امپریالیسم خواهند کوشید تا مانع از استقرار نظم و آرامش انقلابی در دانشگاه‌ها شوند و زمینه‌های تشنج و درگیری را فراهم کنند.

ناید چنین پنداشت که می‌تواند به کمک نیروهای مسلح نظم انقلابی را در دانشگاه‌ها مستقر ساخت. نباید گمان برد که می‌تواند با توسل به زور، گروه‌های ضد انقلابی را در دانشگاه مسلح و متکوب ساخت. در دانشگاه‌ها نیز هم مسلح و توسل به زور ضد انقلاب و گروه‌های راست افراطی،

در پیرو و چه نفا برای ایجاد تشنج و درگیری قرار خواهد گرفت و در نتیجه نقض غرض خواهد بود. بنظر ما، تنها راه مدبرانه، واگذاری حفظ نظم دانشگاه‌ها به دانشجویان و دانشگاهیان انقلابی و مؤمن به انقلاب است.

چنانکه قبلاً نیز یاد آورده‌ایم، می‌توان در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها کنگره‌ای از نمایندگان گروه‌های مختلف دانشجویی و دانشگاهی و قادار به انقلاب تشکیل داد. این مجمع بزرگ برای خنثی ساختن فعالیت‌های ویرانگرانه گروه‌های تفرقه‌موت خریب، تدابیری خواهد اندیشید و با تصویب ضوابط و مقررات، واز جمله آئین نامه انضباطی و انتخاب شورایی نمایندگان گروه‌های مختلف دانشجویی و دانشگاهی حفظ نظم و آرامش را در محیط دانشگاه‌ها بر عهده این هیئت منتخب خواهد گذاشت. شورای نمایندگان با اجرای مقررات مصوب کنگره، که مورد پشتیبانی اکثریت قاطع دانشجویان و دانشگاهیان خواهد بود، بخوبی قادر به جلوگیری از اجرای نقشه‌ها و تفرقه‌های ضد انقلاب و تحریکات راست افراطی، چه پرو و چه نفا خواهد بود.

دانشگاه‌ها به عنوان دفاغ از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر سیمه‌های امپریالیسم، برکردگی امپریالیسم، توطئه‌های تنگننگ گروه‌های ضد انقلابی و مزاحم‌ها و تفرقه‌ها در دانشگاه‌ها و نیز از دفاغ از انقلاب و جمهوری منصرف سازد. رویدادهای یکسال اخیر در استان‌ها و در میان روستاها اثبات کرده است که اگر نیروهای انقلابی و مردمی همشوار می‌توانند باشند، ضد انقلابی هیچ فطلی نمی‌تواند بکند. امپریالیسم و ضد انقلاب کوشیدند عرصه مدارس را به میدان تاخت و ساز و گروه‌های آشوب و دستخیز بدل سازند. ولی علیرغم همه دستورها و توطئه‌ها، دانش‌آموزان مؤمن به انقلاب، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، همراه با مربیان و آموزگاران مؤمن به انقلاب، توانستند این توطئه‌ها را عقیم گذارند و نظم و آرامش را در مدارس مستقر سازند. اگر نوجوانان دانش‌آموز، که کم تجربه‌تر و جوان تر هستند، خود قادر به حفظ نظم انقلابی در مدارس شدند، دلیل ندارد که دانشجویان و دانشگاهیان متحرب توان مقابله با ضد انقلاب را نداشته باشند.

باید باور داشت که اگر حفظ نظم و آرامش در دانشگاه‌ها با شیوه‌های مختلف به گروه‌های متحد دانشجویان و دانشگاهیان مؤمن به انقلاب سپرده شود، گروه‌ها هیچ کاری از پیش نخواهند برد، زیرا صف متحد دانشجویان و دانشگاهیان انقلابی، سربو است. همین در برابر هر گونه آشوب و تفرقه‌های ضد انقلابی، باید به دانشجویان و دانشگاهیان انقلابی اطمینان کرد، آنان را صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی زیر یک پرچم، یک «شماره» هدف، که همستی و اتحاد در مقابله با ضد انقلاب و پاسداری از دستاوردهای انقلاب است، گرد آورد و برقراره‌های آنان را در دانشگاه‌ها، در دست خود خواهند شد.



برقرار باد اتحاد همه نیروهای
ضد امپریالیستی و دمکراتیک
ایران، در جبهه متحد خلق!

درحاشیه جشن اول ماده

الگوی کار مدیران انقلابی:

تجهیز همه نیروها برای دفاع از انقلاب، تلاش در جهت افزایش تولید

هیات مدیره شرکت خدمات پارس، طی نامه‌ای اول ماه مه، روز هفتمی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان جهان را به کارکنان این شرکت تبریک گفته است. در پیام هیات مدیره شرکت خدمات پارس، ضمن تاکید بر این که "کارگران گلوی رژیم سلطنتی را فشرده و به زیاده‌داری تازی بخش سپردند"، آمده است که کارکنان: "امروز نیز ستون فقرات نیروهای را تشکیل می‌دهند که برای تثبیت و تعمیق انقلاب پرشکوهِ اسلامی ایران به رهبری امام خمینی بمنفع کوشش نشان نبرند می‌کنند. در پایان این پیام، هیات مدیره اظهار امیدواری کرده است که روزگارکرم امسال، سرازاری رهبر بزرگ انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی باشد. سال پیروزی جمهوری جوان اسلامی ایران بر شیطان بزرگ و سگ‌هاوش صدام باشد.

از گفتگوی خبرنگاران «نامه مردم» با کارگران و زحمتکشان

استاد ولی، مکانیک تعمیرگاه جنرال (بندر عباس): دوباره انقلاب "انقلاب هنوز تمام نشده، باید آمریکا را بیرون کنیم و در سطح جهان افشایش کنیم. از توپخانه نباید ترسید. ضد انقلاب سعی می‌کند از اشتباهات ریز و درشت ما سوء استفاده کند و بر سر راه ما سنگ اندازی کند. فقط با حفظ اتحاد علمای آمریکا، همه متشکلهای دشمن خنثی می‌شود. گران فروش و متحرک و سرمایه داران بزرگ غارتگر پایه‌های محکم ضد انقلابند، باید با قاطعیت جبهه آنان را درهم شکست. دوباره متولید "تولید باید افزایش یابد. برای بالا بردن تولید باید کارخانه‌ها و شرکت‌های خصوصی هر چه بیشتر ملی شوند. کارگران هم باید گریز از کار کنند. البته دولت نسبت به یکسال قبل خیلی قاطع تر شده است. ولی باید بازگشتی خارجی را هم سریع ترمیمی کرد و کمبودهای گران را از میان برد. دوباره جنگ تعمیلی "معلوم است که جنگ را آمریکا برنامه ریزی کرده است. همه باید از وطن انقلابی خود دفاع کنیم. اگر در جبهه پیروزی شویم.

تعطیل کردن طرح‌های ناتمام و بیکار کردن کارگران، بزبان میهن انقلابی و بسود دشمنان انقلاب است

بدهتال مشکلاتی که در کارگاه‌های سیلوئی پاکستان در ۶۵/۱۲/۲۶ بروز کرد و خبر آن در شماره ۴۹۳ "نامه مردم" درج شد، سازمان غله کشور (کارفرمای این پروژه) در تاریخ ۶۵/۲/۸ تصمیم گرفت که این کارگاه و کارگاه‌های دیگر شرکت "آر. جی. اس" را، که مقاطعه‌کار این طرح بود، تعطیل کند. تعطیل شدن این مسئله در پاکستان منجر به بیکار شدن صد هفتاد تن از کارگران

شرکت «پرسیز یون» را از حالت رکود بدر آورید!

افزایش دهد. صنایع کارگاه دستگاه قابلیت تعمیر اندازه مبادا ۱۵x۱۵ را دارد. همچنین دستگاه "ساب" در جوار آن، موزائیک‌های ساخته شده را ساب می‌زند و ماده استفاده می‌کند. این کارگاه با استفاده از جمع کارکنان تعاونی شروع بکار کرد و هنوز معلوم نیست به چه طریق با آنها قرارداد کارکنان تعاونی را فشرده و به نظر می‌رسد که این کارگاه بتواند، بدون توجه به مسئله بیمه‌ای بودن کارگران، با بازدم هزینه معقول بکار خود ادامه دهد.

ببخشد. این مسئله مورد اعتراض استانداری، فرمانداری و مرکز گسترش قرار گرفت و به همین جهت از طرف استانداری مدیریت جدیدی برای شرکت در نظر گرفته شد. اعضا و مدیریت جدید، چون قیلا در مراکز گسترش استان فعالیت می‌کردند، تصمیم دارند که ارتباط شرکت را با مرکز گسترش محکم‌تر کنند و گروه‌های مشغول بکار را اجباراً برای ثبت رسمی به مرکز گسترش اعزام دارند.

کارگاه‌های تولیدی

۱- کارگاه بلوک‌زنی: این کارگاه، یکی از کارگاه‌های تدارکاتی است که با حدود سی و سه نفر پرسنل استخدامی مشغول بکار است. در این کارگاه روزانه بطور متوسط ده هزار قالب بلوک به ضخامت‌های ۱۵ و ۱۰ سانتیمتری تولید می‌شود. مصالح مصرفی آن شن ریزوماسه و سیمان است و بعلت در اختیار داشتن سنگ شکن و سیمان، کمبودی در مورد مواد اولیه وجود ندارد. کارگاه بلوک‌زنی می‌تواند در صورت تامین آب مصرفی تولید روزانه خود را تا ۲۵ الی ۳۰ هزار بلوک افزایش دهد. نکته قابل توجه این که مقدار بلوک تولیدی این کارگاه، با توجه به پرسنل موجود و در اختیار داشتن مصالح نظیر هزینه در حد متوسط قرار دارد. بنا بر این بیمه‌ای کردن کارگاه هیچگونه امتیازی برای شرکت در پی نداشته است.

پروژه هوانیروز مسجد سلیمان شامل پایگاه و منازل مسکونی هوانیروز و تاسیسات جنبی، از قبیل تصفیه‌خانه گدارلندر و منابع آب و چند ساختمان جنبی است. انجام کارهای مربوط به این پروژه در سال ۱۳۵۴ به یک شرکت خصوصی ساختمانی بنام "پرسیز یون" واگذار شد. پس از پیروزی انقلاب، مدیر عامل و سهامداران شرکت متواری شدند و از طرف دولت وقت یک نفر مدیر عامل عهده دار امور شرکت شد. این شرکت برای انجام کارهای خود از اداره مهندسی ارتش - مجری طرح - تقاضای اعتبار مالی کرد، ولی باین خواست شروع شرکت مخالفت شد. این مسئله باعث شد که شرکت نتواند به حیات خود ادامه دهد. در ضمن وضع شورای کارکنان هم، که در عملکردهای خود دچار اشتباهاتی شده بود، مزید بر علت شد و با تعطیل شدن کارگاه، حدود هزار و هفتصد نفر از کارگران و کارکنان شاغل آن بیکار شدند. پس از تعطیل شدن کارگاه، استانداری خوزستان عهده دار امور شرکت شد و با تامین اعتبارات لازم، کارگاه را از نو بر راه انداخت. با شروع جنگ، در کار راه اندازی کارگاه‌ها دوام و وقفه ایجاد شد، ولی مجدداً برخی از کارگاه‌های تولیدی نظیر بلوک‌زنی کار خود را از سر گرفتند. در همین زمان کارگاه‌های ساختمانی ابتدا با کارگران روز مزد و سپس با جمع آوری کارگران متخصص و ساده در گروه‌های تعاونی، بصورت مقاطعه‌کار جزء کارگاه‌ها بدینال هم شروع بکار کردند. شروع کار باروش جدید و با سرعت بیشتری نسبت به سال قبل ادامه یافت. متأسفانه عدم کارایی گروه‌ها، که صرفاً بخاطر بیکاری و نیاز مالی شدید شروع بکار کرده بودند، در آخر ماه از نظر تناسب بین درآمد حاصل از کارکرد و حقوق دریافتی آنان مشکلی ایجاد کرد. برخی از گروه‌ها، که اولاً با شیوه بیمه‌نگاری آشنایی نداشتند و در این جریان ضرری متوجه آنان نشده بود، از ادامه کار دل‌سرد شدند. البته مدیریت پروژه با افزایش قیمت‌ها سعی کرد تا اندازه‌ای این ضرر را جبران کند، ولی باز هم مسئله ضرر گروه‌ها به قوت خود باقی است.

در جوار کار گروه‌های تعاونی، تعدادی پرسنل هم بصورت استخدامی وجود دارند که کارهای مربوط به تدارکات و خدمات کارگاه‌ها و نیز امور مربوط به حفاظت را انجام می‌دهند. بعنوان نمونه می‌توان از کارگاه بلوک‌زنی، که یک کارگاه تدارکاتی است، و همچنین از کارگاه‌های سنگ‌شکن و تعمیرگاه نام برد. مدیریت پروژه، که از جانب استانداری به اینکار منصوب شده بود، مسئله از جمع کار گروه‌های تعاونی، را که می‌بایست از طرف مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی معرفی شده باشند، نادیده گرفت. او در مقابل سعی کرد که با بهره‌گیری از افراد خارجی از شرکت، از سوی کارگران خارجی را راضی کند و از سوی دیگر با انجام کار بصورت بیمه‌ای، بکار سرعت بیشتری

۲- کارگاه سنگ‌شکن: در حال حاضر این کارگاه با ظرفیت محدود مشغول بکار است و می‌تواند با راحتی احتیاجات در صورت تامین آب مصرفی گاه سنگ‌شکن شرکت، یکی در مسجد سلیمان و دیگری در شوشتر قرار دارند، که دومی به‌شتر ماسه شسته رودخانه‌های برای کارگاه تهیه می‌کند و پرسنل آن نیز، که قبلاً در جهاد سازندگی شوشتر کار می‌کردند، استخدامی هستند.

۳- کارگاه آکسیژن: این کارگاه احتیاج به پرسنل زیادی ندارد و تولید روزانه آن حدود یکصد و پنجاه کیلوگرم است، که با توجه به شرایط مناطق جنگی، در سطح استان از اهمیت زیادی برخوردار بود، که متأسفانه بر اثر انفجار بکلی از بین رفت.

۴- کارخانه آسفالت: این کارخانه ظرفیتی در حدود یکصد و پنجاه تن در ساعت دارد. متأسفانه پس از پیروزی انقلاب، بعلت کمبودن شخصی بی‌اطلاعی در راس کارخانه و دستکاری در دستگاه تمام اتوماتیک، عملاً کارخانه از کار افتاده است و افراد جدیدی هم که عهده‌دار ز راه اندازی کارخانه شده‌اند، نمی‌توانند کاری انجام دهند. ۵- کارگاه موزائیک‌سازی: این کارگاه اخیراً کار خود را از سر گرفته است و در حال حاضر روزانه حدود هزار و هفتصد قالب موزائیک فرنگی ۳۰x۳۰ تولید می‌کند. این کارگاه می‌تواند، در صورت احتیاج، ظرفیت خود را تا سطح روزانه پنج هزار قالب موزائیک

گروه‌های تعاونی و مشکلات آنها:

اصولاً در گروه‌های موجود تعداد افراد بسیار کم است و تنوع در زمینه فعالیت آنها همواره مشکلاتی در پی دارد و در نتیجه مواد متوسط تولیدی کارگاه‌ها تهیه نمی‌شود. گروه‌هایی که در آخر هر ماه ضروری می‌کنند، چون با این شیوه کار کردن آشنایی ندارند، هنگام دریافت حقوق خود، که کمتر از حد متعارف است - مسئولین کارگاه را مسئول کم بودن حقوق خود می‌دانند. همین مسئله مدیریت شرکت را بر آن داشته است که مراحل را در بکار گرفتن گروه‌های طرح و گسترش، که افراد دیپلمه هم در میان آنها وجود دارند، بماندند. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا یک نفر دیپلمه نمی‌تواند با به عهده گرفتن حسابداری گروه، امور مربوط به پرداخت صورت وضع کارگران را انجام دهد؟ مشکل مهم دیگر گروه‌ها عدم سازش افراد در گروه‌هاست، که دائماً منجر به تقسیم آنها به دو گروه مجزا می‌شود و دائماً در بین گروه‌ها بر سر دستمزدها درگیری وجود دارد.

بیم کارگران گروه‌های تعاونی شرکت از سر نوشت نامعلوم خود از طرفی و سردرگمی که تا بحال مسئولین به آن دچار بوده‌اند، از طرف دیگر، موجب بی‌نظمی در کارهای شرکت شده است. بی‌شک اگر کار شرکت بر همین منوال پیش رود، شرکت با مشکلات به مراتب سخت‌تری روبرو خواهد شد. عدم انضباط در کارها باعث ضعف مدیریت در اداره امور، عدم برنامه ریزی دقیق و بی‌توجهی به خواست‌های برخی کارگران، از دلایل عمده رکود در کار شرکت پرسیزیون است. در شرایط حساس کنونی، که به‌ش از هر زمان نیاز به تامین خودکفایی احساس می‌شود، می‌توان با کم کردن افرادی دلسوز و متعصبه انقلاب، با برطرف کردن نقایص موجود، همکار-گاه‌های شرکت پرسیزیون را در خدمت به امر انقلاب به فعالیت، هر چه بیشتر واداشت.

توضیح و تصحیح

شده است، که برابر بخش نامه رئیس خدمات مالی و عضو علی‌البدل هیات سرپرستان شرکت ملی نفت تحت عنوان "مصوبه شماره ۱۶۰ هیات سرپرستان بیان دقیق آن به شرح زیر است: "شش درصد پیمان‌انداز سهم شرکت برای سال ۶۰ و شش ماه دوم سال ۱۳۵۹، که پرداخت نگردیده، در بودجه سال ۶۰ منظور گردد.

در ارتباط با درج خبری تحت عنوان "هشیاری کارکنان خطوط لوله مخاربات شاهرو" در "نامه مردم"، مورخ ۵۹/۱۲/۲۶، تصحیح زیر ضروری است. در خبر، "حذف سهم کارفرما از بابت پیمان‌انداز کارگران و کارمندان" یعنی سهم‌هایی که به میزان ۶٪ از حقوق کارکنان، از طرف شرکت نفت به پس-انداز آنان اختصاص داده می‌شد، مطرح

دارد. از طرف دیگر، در شرایطی که مبین مایه ذخیره مواد غذایی، بویژه کنجد، نیاز دارد، باید طرح تکمیل سیلوهای کشور را بیکیتر دنبال کرد.

بر عهده مسئولین و مقامات مربوطه است که در زمینه پرداخت حقوق عقب-افتاده کارگران اقدام کنند، و با توجه به مسئله مدیریت و راه‌اندازی کارگاه‌ها، اجازه ندهند که کارگران بیکار شوند، طرح‌ها ناتمام و ناقص باقی بماند و بلا تکلیفی جای برنامه‌ریزی جامع را، که از ضروریات انقلاب است، بگیرد.

طلقه کارگران ایران، در افزایش تولید، توپیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

توطئه فئودالها و بزرگ مالکان در روستای کیکانلو و روستاهای اطراف، فقط با اجرای بند «ج» خنثی میشود

در منطقه لاجان که دهقانان خنثی شد. این فئودالها و بزرگ مالکان، به همراهی همان فئودالی که تمام مملکت را زیر گردن دهقان شترآبادی است، باند تشکیل دادند و علیه هیئت هفت نفری دهقانان زحمتکش فعالیت شدید می کنند.

چادار درک مقامات مسئول با اجرای بند "ج" و بند "د"، کله هاراضی با پرو دادر بزرگ مالکان را مشغول قرار دهند. و هر چه سریعتر به مالکیت دهقانان روی زمینهای این غارتگران زورگرنه قانونی و رسمی بکشند و با اتخاذ تدابیر جدی جلوی توطئه های آنها را بگیرند. در همان توطئه باید عناصری را که در پاسگاه نفوذ کرده اند و از این طریق به بزرگ مالکان ضد انقلابی پیاری می رسانند، شناسایی و پاکسازی کرد.

لازم است دهقانان بی زمین و کم زمین نیز اتحاد خود را با دهقانان خرد مالک حفظ کنند و چون تن واحد توطئه های گسترده بزرگ مالکان را خنثی کنند.

تراکتوردارهای منطقه را تهدید کردند که برای شخم زدن سر زمینها نروند. متأسفانه وجود عناصری در پاسگاه منطقه باعث شده فئودالها و بزرگ مالکان غارتگر موفق به جلوگیری از کشت دهقانان شوند. زمانیکه بر اثر سرداد خواهی دهقانان ستم دیده، هیئت هفت نفری به روستا آمد، یکی از فئودالها، که در جمع روستائیان حضور داشت، برای آنکه بخیال خود به آنها توهم نکند آنها را "حمال" خطاب کرد. یکی از دهقانان در پاسخ او گفت:

"بله ما حمال هستیم، برای اینکه سالیانه زحمت ۱۰۰ تن گندم و ۴۰ تن پنبه و جالیز تو را بایشان تحمل می کنیم!"

سرانجام دهقانان موفق شدند، با یک هیئت هفت نفری، زمینها را کشت کنند، اما فئودالها و بزرگ مالکان دست از توطئه برنداشتن. آنها سدهای از افراد ناگه را طمع کردند و آنها را مسلح ساختند، تا با همکاری ضد انقلابیون مسلح اطراف شیروان، باوایی

فئودالها و بزرگ مالکان روستای کیکانلو از توابع بخش مانه و در ۴۸ کیلومتری شهرستان بجنورد، فعالیت های خود را علیه دهقانان زحمتکش تشدید کرده اند و از کشت آنان جلوگیری می کنند.

این بزرگ مالکان ۲ نفر هستند. جمعیت این روستا در حدود ۱۲ خانوار است و بیشتر آنان (۵۰ درصد) خرد مالکند. در حدود ۲۰ الی ۳۰ خانوار کارگر شهری و تعدادی هم کارگر فصلی در روستا زندگی می کنند. دهقانان زحمت کش این روستا در مهرماه سال گذشته، هنگام کشت پاشیزه، با بدردست داشتن عسکری از امام خمینی و آیت الله منتظری، به سرزمین های بزرگ مالکان و فئودالهای منطقه رفتند و زمین ها را کشت کردند. هیئت هفت نفری منطقه نیز از دهقانان پشتیبانی کرد. این عمل مورد تأیید دهقانان روستای کوشکی نیز قرار گرفت و آنها زمین های یکی از این فئودالها را نیز برکشت کردند.

فئودالها و بزرگ مالکان،

ویژه مهمترین مسئله روستاهای ما

مهم ترین مسئله روستاهای ما در فئودالیسم است. مسئله زمین است. فئودالیسم یعنی مالکیت زمین ها به دهقانان زحمتکش و کارگران کشاورزی ما حل شده است. زمین ها در دست فئودالها و بزرگ مالکان است. فئودالیسم یعنی زمین ها در دست فئودالها و بزرگ مالکان است. فئودالیسم یعنی زمین ها در دست فئودالها و بزرگ مالکان است.

طومار دهقانان زحمتکش روستاهای ایلوار و چهارده در حمایت از اجرای هر چه سریعتر بند «ج»

زحمتکشان بهر آورده می آورند و جلوی کشت مادهقانان کم زمین و بی زمین سیستانی ساکن سرزمین ایلوار و چهارده اکنون گذشتار اینکه حاضریم در جنبه نبرد علیه شیطان بزرگ و صدام مزدور شرکت کنیم بلکه باید با کار و تولید بیشتر پشت جبهه را تقویت نمائیم تا بر شیطان بزرگ و نوکرانش پیروز گردیم.

بهمین خاطر ما خواستار آنیم که قانون اصلاحات ارضی بخصوص بند "ج" آن که با تأیید امام، توسط فقهای عالیقدر آیت... منتظری، آیت... مشکینی، آیت... بهشتی تهیه شده و شورای انقلاب هم آنرا تصویب نموده هر چه زودتر اجرا شود تا دست بزرگ مالکان این کارشکنان پیشرفت انقلاب و پیروزی پر شیطان بزرگ و صدام مزدور از روستاهای میهن ما کوتاه شود.

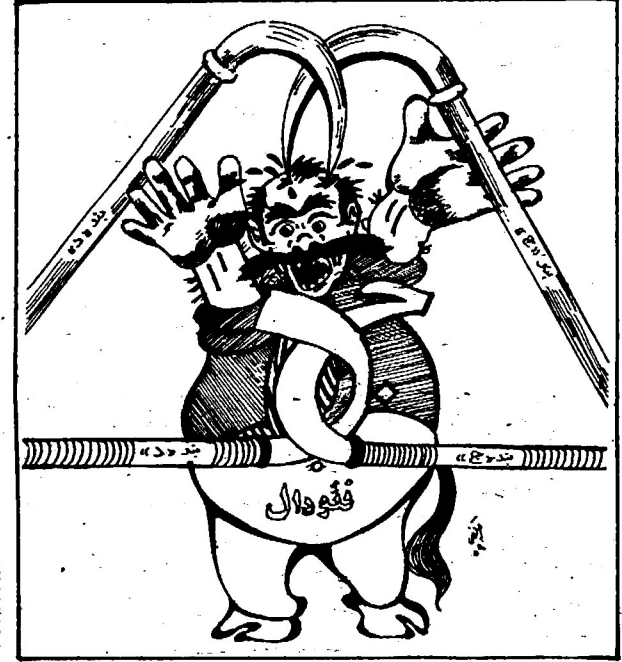
روزنوش: ۱- دفتر امام ۲- دفتر آیت... منتظری ۳- مجلس شورای اسلامی ۴- دفتر نخست وزیر ۵- هیئت هفت نفره گرگان ۶- جراباد محل اعضاء زارمین سیستانی ساکن سرزمین های قرا ایلوار و چهارده"

سبل طومارهای دهقانان زحمتکش جهت اجرای هر چه سریع تر بند "ج" قانون اصلاحات ارضی، همچنان ادامه دارد. اینبار دهقانان روستاهای ایلوار و چهارده (اطراف گرگان) طوماری تهیه کرده اند و برای مقامات مسئول مملکتی ارسال داشته اند، که در زیر متن آنرا می خوانید و کلیشه آنرا هم می بینید:

بسم تعالی

ما مالکین و سرمایه داران بزرگ را بهای میزحاکه می کشیم. آنها حقوق کارگران و رعایا را برده اند. بدین جهت مالک کارخانه ها و زمین های خود نمی باشند. "امام خمینی"

پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی، مزدهر زندگی بیشتر را به محرومان و مستضعفان جامعه داد. ما دهقانان در ریزم گذشته محرومیت های زیادی را تحمل شدیم. بخاطر همین هم هست که از این انقلاب با تمام وجودمان دفاع کرده و خواهیم کرد. ما خوبی می دانیم که هدف شیطان بزرگ و نوکرش صدام اینست که از پیشرفت انقلاب و نمرات ارزندگی که برای ما دهقانان و



شیطان دها (فئودال) را در بند «ج» و «د» اسیر کنیم

خواست کوخ نشینان «آق مزار» بجنورد، اجرای کامل طرح واگذاری زمین است

روستای آق مزار، از توابع بخش مانه، (۶۲ کیلومتری بجنورد) دارای جمعیتی حدود ۱۵۰ خانوار است. از این جمعیت در حدود ۴۰ درصد را بی زمین ها و کم زمین ها تشکیل می دهند. بزرگ مالک ده داری ۲۰ هکتار زمین است و یک کارخانه نیمه مکانیکی نیز در شهر بجنورد دارد، که مستخرج دهقانان زحمتکش روستا را توسط سلف خری غارت می کند.

امکانات رفاهی روستا عبارتست از: مدرسه ابتدائی و حمام و مسجد و آب ولیمکشی ناصی. روستا دارای شورای است که از طرف جهاد سازندگی بجنورد به رسمیت شناخته شده است.

محصولات عمده روستا گندم، جو و پنبه است. برای کشت پنبه سال ۵۸ دهقانان زحمتکش می خواستند زمین های ارباب را کشت کنند، ولی توسط پاسگاه منطقه از اینکار آنها جلوگیری شد. حتی تعدادی از دهقانان روستا، مبنی بر اینکه "به سرزمین های ارباب نروند" توسط پاسگاه گرفته شد.

در موسم کشت پاشیزه ۵۹ روستائیان با شور و مشورت یکدیگر به

دادگاه انقلاب شکایت بردند. آنها می گویند: "پسر فئودال ما را تهدید بکشتن کرد ما ست"

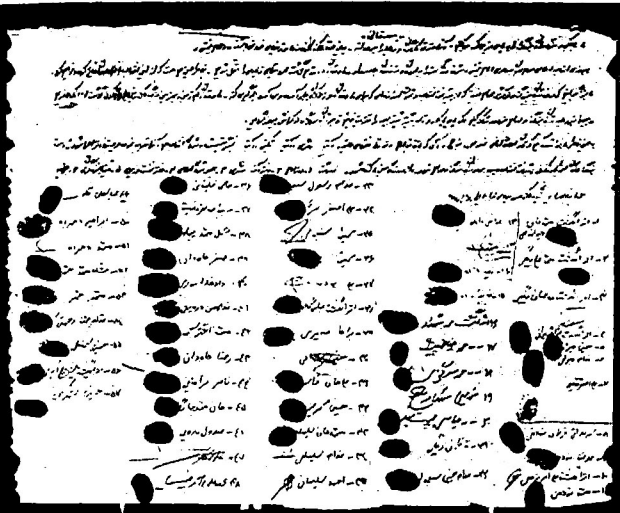
حالا دهقانان زحمتکش آق مزار خواستار اجرای فوری بند "ج" طرح واگذاری زمین اند.

دهقانان کوخ نشین، که دارای سهم عظیمی در تحکیم پشت جبهه نبرد علیه رژیم صدام هستند، حق مسلم خود می دانند که زمین های بزرگ مالکها را لگن به آنها واگذار گردد. باید هر چه زودتر این خواست آنها را با اجرای کامل طرح واگذاری زمین، برآورد ساخت.

۱- اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی،
۲- قراردادن روغن بطور مستقیم در اختیار مستضعفین روستایی،
۳- جلوگیری از کار شکنی بیمانکار چغندر، که طرفدار بزرگ مالکان است،
۴- رسیدگی به شکایات روستائیان.

در ضمن نویسندگان نامه متذکر شده اند که نمایندگان قبلی هیئت ۷ نفری مورد قبول آنها هستند. قابل ذکر است که اعضای این هیئت، نمایندگان موقت هستند.

۹۹ نفر از دهقانان زحمتکش با اثر انگشت و امضای خود، محتویات نامه را تأیید کرده اند.



مادران بزرگ هیئت مردمی بجنورد علیه نامهای نامناسب روستاها و دولت جمهوری اسلامی ایران خواستار اجرای بند «ج» شد

قوانین مصوبه جمهوری اسلامی و جلوی گیری از ریشه دار شدن و تعمیق انقلاب شکوهمندمان، مسئولند. فئودال های بی انصاف و بی شرمی را به عدی رسانده اند که عده ای از عناصر خائن به انقلاب را تحریک نموده اند و این بی انصافان با سرخوردن دهقانان با دهقانان مانوس سلطان از توابع شهرستان بجنورد خون بیا کرده و هیئت ۷ نفری واگذاری زمین مستقر در بجنورد را تهدید به مرگ می نمایند. ای امام، ای روح مستضعفین و ای دولت فعال جمهوری اسلامی، ما دهقانان مانه و سلطان توابع

آخران نمایندگان هیئت هفت نفری بجنورد در روستاهای مختلف بخش مانه و سلطان طی نامه ای برای امام خمینی و دولت جمهوری اسلامی ایران، خواستار اجرای فوری بند "ج" قانون اصلاحات ارضی و کوتاه کردن دست بزرگ مالکان از جان و مال دهقانان زحمتکش شدند. در قسمتی از این نامه آمده است:

با (کم) کار شدن هیئت ۷ نفری متوقف شدن بند "ج"، بزرگ مالکان و سرپرستان قراری آنها مانند کارگاه ماند و دست از توطئه و خیانت بر نمی دارند و همچنان بیگانه شکنی و سنگ اندازی پیش پای دهقانان ستم دیده و خرابکاری در

امام خمینی:
حقوق مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه داران بزرگ خورده اند، به محرومین باز پس داده می شود

بجنورد ضمن پشتیبانی بی دریغ مان از انقلاب اسلامی و جنگ علیه امپریالیسم و مزدوران و دست نشاندهانشان (صدام کافر) و پشتیبانی از نهادهای انقلابی بوز هیئت ۷ نفری واگذاری زمین در بجنورد، از حضور با سعادت امام و دولت جمهوری اسلامی توقع داریم که ترتیبی داده تا هیئت های واگذاری هر چه زودتر با قاطعیت قانون واگذاری زمین به دهقانان را مقرر فرموده تا اجرا کنند و ستم بزرگ مالکی را برانندازند.

در پایان، نمایندگان این هیئت خواستار امکانات زندگی و کشت برای دهقانان شده اند. خواستهای نمایندگان دهقانان به شرح ذیل است:

سپهر کمیته‌های بهداشت و درمان جهاد سازندگی، که به مدت سه روز از اول اردیبهشت ماه سال جاری در تالار ابن سینا دانشگاه تهران در جریان بود، با ارائه پیشنهادی سازنده‌ای در زمینه رسیدگی به وضع بهداشت و درمان جنگ‌زدگان، مناطق روستایی و... به کار خود پایان داد. در قطنامه این ستیبار از جمله آمده است: "با توجه به اعلی بودن مسئله جنگ و جنگ‌زدگان، توجه مسئولان را به بهداشت و درمان مجروحین و آوارگان جنگی و بررسی وضع آن‌ها معطوف می‌داریم و خواستار بسیج نیروهای فعال ارگان‌ها بمناطق جنگی می‌باشیم و طرح مسائل انحرافی را محکوم می‌کنیم." (کپان - ششم اردیبهشت ۵۹).

قطنامه همچنین نظر مسئولین

به پیشنهادهای جهاد سازندگی در زمینه بهداشت و درمان توجه کنید

وزارت بهداشتی، سپاه پاسداران در همه استان‌ها نظارت بر بهداشت و درمان روستاها را بعهده گیرند. (همان جا).

قطنامه همچنین خواستار شرکت نماینده کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی در مدیریت و تشکیلات ستادی وزارت بهداشتی و سازمان‌های منطقه آن شده است.

قطنامه ضمن انتقاد از حاکمیت سبقت گذشته بر نظام بهداشتی، خواستار انتخابی بودن هیئت مدیره آن شده است.

را به لزوم گسترش خدمات پزشکی و درمانی در روستاها جلب و برنامه‌هایی در این ارتباط ارائه کرده است: "اولویت پیاد نمودن طرح شبکه‌های بهداشتی در مناطق محروم کشور در کنار مراکز خدمات روستایی، کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی با توجه به نیاز مناطق محروم، بویژه استفاده از امکانات موجود، بویژه دانشکده بهداشت، سعی در تربیت نیروهای ثابت لازم، با اولویت نیروهای روستایی و بومی بنماست. پیشنهاد می‌شود شورای متشکل از نمایندگان جهاد سازندگی دانشگاهی،

گسترش خدمات پزشکی در مناطق محروم، از جمله پیشنهادی‌های سازنده انجمن‌های بهداشت و درمان جهاد سازندگی است.

ما ضمن آرزوی موفقیت برای فعالیت‌ها و اقدامات آتی کمیته درمان و بهداشت جهاد سازندگی و دیگر بخش‌های آن، توجه مسئولین جمهوری

اسلامی ایران را به این پیشنهادها جلب می‌کنیم و از آنان می‌خواهیم که با استفاده از این پیشنهادها

همچنین طرح‌های سازمان‌ها و گروه‌های هوادار انقلاب، در جهت حل مشکلات بهداشتی ایران، که بخش اعظم آن میراث شوم نظام طاغوتی گذشته است، قدم‌های سازنده را بردارند.

به وضع استخدامی در استان چهارمحال بختیاری رسیدگی کنید

بیشتر مسئولین و مجریان دولتی در استان چهارمحال بختیاری بجای آنکه از افراد محلی باشند، از اهالی اصفهان هستند. مسئولین امر برای علت این انتصابها دلایلی آورده‌اند که به هیچوجه با قنانون جمهوری اسلامی ایران مطابقت ندارد از سوی دیگر افراد محلی شاغل در ادارات نیز تحت فشار قرار گرفته‌اند که پست خود را ترک کنند. این امر در کنار نفوذ بعضی عوامل ضدانقلاب در ادارات شهر، معمولاً باعث نارضایتی مردم شده است.

ما از مقامات مسئول می‌خواهیم که از چنین اقدامات، که نه تنها مخالف با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، بلکه باعث نا رضایی مردم نیز می‌شود، جلوگیری کنند و اجازه ندهند که جو تشنج آشوب دیگری بوجود آید.

به مشکل آب آشامیدنی غیر بهداشتی مردم سیستان رسیدگی کنید

مردم سیستان و بخصوص اهالی زابل و روستا نشینان اطراف آن، از مشکل آب آشامیدنی غیر بهداشتی به شدت رنج می‌برند. آب آشامیدنی این زحمتکشان، که اکثراً در ۶۰۰ روستای این منطقه سکونت دارند، بطور عمده از آبی تاملین می‌شود که توسط شاخه‌های فرعی رودخانه هیرمند به منطقه می‌آید، آبی که می‌توان گفت تقریباً فاضلاب رودخانه هیرمند است و در مسیر خود مقدار زیادی گل و لای به همراه می‌آورد. از سوی دیگر، به علت سرریز بودن مسیر و هموار روستاهای مختلف، فاضلاب این روستاها نیز در آب وارد می‌شود و در نتیجه میکروب‌های مضر و آلودگی نظیر حصبه، وبا، فلج اطفال، اسهال عفونی کودکان و غیره به وفور در آب روخانه یافت می‌شود. تصفیه‌خانه شهر زابل نیز همان‌گونه که تا حال بارها گفته شده است، عملاً قابل استفاده نیست و در حال حاضر تنها به صورت یک تلمبه خانه کار می‌کند و تنها عملی که برای تصفیه می‌کند آب انجام می‌دهد، افزودن پرکربن به آب است، گسه آن هم به علت گل‌آلود بودن بیش از حد آب رودخانه، تاثیر چندانی ندارد.

مسئولین اداره بهداشت زابل تاکنون در مورد غیر قابل آشامیدنی بودن آب شهر بارها سخن گفته‌اند. از مایه‌های فراوان نیز نشان داده‌اند که این آب در شکل کنونی صد درصد غیر قابل آشامیدن است.

در مجموع باید گفت که اکثریت مردم زحمتکش و محروم این منطقه از مینتجان به علت وجود این میکروب‌ها در آب آشامیدنی شان، دچار انواع بیماری‌ها هستند و به علت پایین بودن سطح بهداشت، بمشقت از این مشکل رنج می‌برند. گفته رئیس شبکه بهداشتی زابل در جلسه در روز مسئولین استان با نخست‌وزیر به خوبی این وضعیت را نشان می‌دهد: "بعلت وضعیت بد بهداشت و آب آشامیدنی در منطقه، بیشتر مردم مبتلا به بیماری‌های رودخانه‌ای هستند و بیشتر تخت‌های بیمارستان‌ها را اشغال کرده‌اند".

عوارض دیگر این مشکل را تا کنون در سطح منطقه بارها شاهد بوده‌ایم. از جمله در بهمن ماه سال ۵۸، بعلت بومی شدن بیماری حصبه (که خود ناشی از وجود میکروب این بیماری در آب آشامیدنی است) در روستاهای اطراف کوه خواجه، ده لطف‌الله، قریه آزادی، ده کدخدای قیسر، ده

به مشکلات بیمارستان دکتر مصدق شهر کرد رسیدگی کنید!

بیمارستان دکتر مصدق شهر کرد به علت افزایش تعداد مراجعه کنندگان و نارسایی‌های خدماتی برای درمان بیماری‌های مختلف در سطح منطقه، با مشکلات فراوانی روبروست. نبودن تجهیزات و وسایل و امکانات کافی در بیمارستان، کمبود پزشک متخصص و تکنیسین‌های ورزیده، فقدان مدیریت صحیح در بخش‌های کلینیکی و پاراکلینیکی، کمی ظرفیت بیمارستان نسبت به تعداد بیماران، عدم توجه به مسائل رفاهی کارکنان و کاهش زحمات بیمارستان و همچنین نبودن بهداشت کافی و هوای آلوده در محیط بیمارستان، از مشکلات اساسی این بیمارستان است.

ما از مقامات مسئول می‌طلبیم که هرچه زودتر با احداث یک بیمارستان مجهز در شهر کرد، باتوجه به جمعیت این شهر، در جهت حل این مشکل اقدام کنند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

معلمین مبارز سراب را به کار بازگردانید

۴۹ نفر از حلیمین سراب، که در سال گذشته پاکسازی شده بودند، بکار بازگشته بودند. در اواخر فروردین ماه سال جاری، بار دیگر بدون هیچ دلیلی، از کار اخراج شدند. اخراج این عده، که اکثر آنها از حلیمین انقلابی و مبارز و پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند باعث تشنج در شهر و نارضایتی اهالی گشته است.

یکی از حلیمین اخراجی خطاب به رئیس آموزش و پرورش سراب، به درستی به هتدار اخیر امام خمینی در مورد توطئه ضدانقلاب، بویژه در آذربایجان، اشاره کرد و اخراج معلمین را در شرایط حساس کنونی، خلاف مصالح کشور و نقض صریح قانون خواند.

در این میان آنچه بیش از همه قابل تأمل است این است که، یکی از حلیمین پاکسازی شده بنام "لاهی مدتی است که برای مقابله با دشمنان متجاوز به جبهه جنگ رفته و در آنجا به اسارت دشمن درآمده است. این مسئله اعتراضی همگان را برانگیخته است. مردم سوال می‌کنند که: ظهور می‌شود یک سالم در دست دشمن اسیر باشد و او را از کار باکت سازی کنند!

در ارتباط با این پاکسازی‌های غیرقانونی، به مدت دو روز دانش آموزان مدارس شهر از رفتن به سر کلاس خودداری کردند و حتی نزدیک بود کار به تظاهرات و راهپیمایی بکشد، که حلیمین اخراجی مانع از آن شدند.

ما ضمن جلب توجه مسئولین آموزش و پرورش به این امر، از آنان می‌خواهیم که با رسیدگی دقیق به این پاکسازی غیرقانونی، از حلیمین مبارز آماده حیثیت شود و اعمال غیرقانونی مورد بررسی قرار گیرد.

به وضع نابسامان آب دزفول رسیدگی کنید!

قطع آب لوله‌کشی دزفول بطور مرتب، موجب نارضایتی مردم این شهر شده است. در دزفول ۲ سازمان آب وجود دارد: یکی آبپاری دزفول که از قبل وجود داشته است و تقریباً هر مرد خانوادگی دزفولی مشترک آن هستند، و دیگری سازمان آب تصفیه دزفول، که از شش سال پیش در دزفول کار خود را به طور فعال آغاز کرده است.

مشکل اساسی این است که هر گاه برق شهر قطع شود، بلافاصله آب نیز برای مدت طولانی قطع می‌شود، و همچنین اگر آب رودخانه گل‌آلود شود و یا بالا و پایین برود، بر آب شهر اثر می‌گذارد و آن را قطع می‌کنند.

ما از مسئولین امر می‌طلبیم که هرچه زودتر در جهت فراهم آوردن زمینه حل این مشکل، به خواسته‌های محقق مردم دزفول رسیدگی کنند.

پارمایت مصالح انقلاب: مرکز کامپیوتری سازمان تأمین اجتماعی را براه اندازید

اثر بافشاری کارکنان این سازمان، ضرورت بهره‌برداری از این مرکز و پس‌داین دستگاه‌های استیجاری "ای بی.ام" (که تنها از همین بابت از پرداخت ۵۰ هزار دلار ماهیانه به این شرکت، صرفه‌جویی می‌شود) مورد قبول قرار گرفت و قرار شد در مرحله اول، پس از راه‌اندازی مرکز، سازمان مرکز آمار، وزارت اقتصاد و دارایی، سازمان برنامه و بودجه و نیز خود سازمان تأمین اجتماعی از تجهیزات این مرکز استفاده کنند. برای راه‌اندازی و تعمیر و نگهداری و تهیه قطعات پدکی این مرکز نیز با شرکت دولتی "ایران" مذاکراتی بعمل آمد و این شرکت آمادگی خود را برای این کار اعلام کرد. لیکن شورای عالی انفراستیک، با اعلام این‌که علاوه بر اشکال فنی "ایران" باید با شرکت خصوصی وی. بی. اف - سی نیز که توسط عده‌ای از متخصصین سابقه شرکت آی. بی. ام. تشکیل شده است، مذاکره کرد، در راه‌اندازی

در باره دستگیریه

در روزنامه‌های که نام «اتحاد اسلامی» بر خویش نهاده، نویسنده ستون «وقایع انقلاب» مقاله‌ای تحت عنوان «مسئله‌های قزوین» - که عنوانی بسیار پرازنده برای آن مقاله است نوشته و نه بطور اتفاق بلکه بشیوه دائمی خویش، مقادیر فراوانی افشا و دشنام رکیک درباره حزب توده ایران ردیف کرده است.

بر عایت موضوع موجود و تکالیف روزنامه نگاری در شرایطی که حملات و افتراها و توهین‌های تشنج‌آفرین تنها نبودن تشنه، بودن آمریکایی چاق‌کاز و گروه صدامی تجاوزگر و هیاهای ممتد، مطلقاً امریکاست، البته ما هرگز با نویسنده «وقایع انقلاب» دهان بدهان نمی‌شویم آنچه را که سزای اوست، در پاسخ نامزادهایش نتوانیم نوشت.

نسبت به سرنوشته انقلاب، یا یک ایرانی مخالف یا تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی که علیه امپریالیسم می‌رزد و سر آن دارد که از توده زحمتکش دفاع کند، (اگر بتوان آنها را ایرانی نامید) مطلب دیگری است، اما یک ایرانی انقلابی و هوادار نظم کونی و وظیفه انقلابی دارد که بلافاصله همین اطلاع خویش را، با آگاهی و هوشیاری، به اطلاع مقامات مسئول برساند، بدون هیچگونه اظهار نظر و تمسیر و «الله شیب» هم برساند، تا خود مقامات مسئول بروند و تحقیق کنند که آن آقا کی بوده، چه ماموریتی داشته، از طرف کی آمده و دنبال چه هدفی می‌گشته است؟

نویسنده «وقایع انقلاب» در روزنامه «انقلاب اسلامی» این مطلب بکلی ساده را ظاهر انبیه است که چاپ نام مورخه ۲۹/۱۲/۶۹ حزب توده ایران در «نامه مردم» بخاطر مدرك آوردن بر اصل سفر نبوده است، چیزی که نیاز به اثبات نداشته، بلکه بخاطر آن بوده که نشان داده شود که بهنگام اطلاع خبر، ما هیچگونه اظهار نظری درباره راستی یا انتساب آقا قهرمانی به این یا آن شخص یا مقام نکردیم. ما عین نام خود را، که در آن تاریخ به مقامات مسئول کشور فرستاده بودیم، کلیشه کردیم، تا ثابت شود که موضوعی خصمانه و پر از اتهام و دشنامهای ناروای آقا رهبری جمهور علیه حزب توده ایران، درست نبوده و موردی نداشته است. حتی يك كلمه یا اشاره‌ای هم به اینکه شخص نامبرده از طرف چه کسی احتمالاً آمده و چه مقامی به او ماموریتی واگذار کرده، نداشته‌ایم، زیرا این خود مسئولان بوده‌اند که میبایست در این باره تحقیق و رسیدگی کنند.

هر کسی که از سفر اسفندماه دکتر قهرمانه به لندن و مراجعه او به سفارت عراق و مذاکرات مفصل او باخبر میشد و این خبر را به مقامات مسئول ایران نمیرسانید، حداقل چیزی که درباره او میشد، گفت، این میبود که به انقلاب و سرنوشته میبشیر انتقامت، ما که باخبر شدیم، بدیهی بود که مقامات مسئول را باخبر کنیم. ما مطمئن بودیم که خود مقامات مسئول رسیدگی خواهند کرد و تنها ذکر خود خبر را کافی دانستیم و حتی از هر نوع فراخواندن به تحقیق و هشدار بردن و پیگیری کردن هم اجتناب کردیم، زیرا میدانستیم که هر کسی به انقلاب و سرنوشته آن علاقمند است، خود بر رسیدگی برخواید خاست. پس چرا نویسنده «وقایع انقلاب» اینقدر عصبانی شده و سخنان ناروای آقا

از اینکه بگذریم، لغات و عبارات و صفاتی که نویسنده در دشنام گوئی و افترازی به حزب ما آورده است، تنها نشانه خشمی لگامگسته است که از عصبانیتی بی‌حد و مرز حکایت میکند. چرا خاطر پراز سلامت «وقایع انقلاب» آزرده شده؟ چه چیز وی را اینچنین به خشم آورده است؟ آیا يك آشکارگی، يك اطلاع مبوق از يك توطئه، که در حال تکوین بود، باید اینطور موجب عصبانیت «وقایع انقلاب» شود؟ درست است که احتیاج يك خبر و توجه دادن به مقامات مسئول، منظور هشدار بودن و تدبیر لازم را اتخاذ کردن، میتواند موجب خشمی مرتفع گردد و کسانی نتوانند شاهد اتفاق واقعی دلخواه شوند. ولی چرا این مطلب باید روزنامه نویسی «انقلاب اسلامی» را عصبانی کند؟ مطلب از این قرار است که در پایان سال گذشته، ما خبری دریافت کردیم دایر بر آنکه شخصی بنام قهرمانه از تهران به لندن رسیده (در زمانی که جنگ جریان دارد و مسافرت‌ها محدود است و جز در موارد استثنائی اجازه خروج داده نمیشود) و این شخص بلافاصله به سفارت عراق در لندن رفته است (سفارت کشوری که با ایران در حال جنگ است، به همین انقلابی مانع از ورود و خودسازمانده حملات و یورشها به سفارت ایران بوده، که حتی منجر به شهادت دیپلماتهای ایرانی نیز شده است).

ما البته از محتوای مذاکرات خبری نداشتیم، ولی خبری که از آن بود که مذاکرات مفصل بوده است، ما میدانستیم که این آقا قهرمانه کیست، از طرف چه کسی به لندن رفته، چه ماموریتی بهمه داشته و بنام چه کسی صحبت میکند؟ در این شرایط فکر میکنید که وظیفه يك ایرانی طرفدار انقلاب جمهوری اسلامی ایران چیست؟ گفتیم و تکیه میکنیم که وظیفه يك ایرانی طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، البته يك ایرانی ضد انقلاب، یا يك ایرانی بی‌تفاوت

نویسنده «وقایع انقلاب» گفت: «محدود و تقاضای و اختیارات از متن حکم امامت است به جناب آقا کی وزیر کشور استخراج و مشخص شد که عبارتند از: (۱) رسیدگی به موارد تخلف (۲) رسیدگی به اعمال کائیکه منتهای تشنج میشوند (۳) رسیدگی به جرایم و روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی»

کاملاً روشن است که جلب توجه هیئت سفتری توسط «نامه مردم» برای رسیدگی به این موضوع، درجهت اختیارات و در حدود وظایف هیئت است و جعل نویسنده سفترهای قزوین، موجب سلب صلاحیت از هیئت نمیشود. گذشته از آن، مگر آقا روزنامه نویس روزنامه نمی‌خواند و نمیداند که هیئت سفتری به

مطلب از این قرار است که در پایان سال گذشته، ما خبری دریافت کردیم دایر بر آنکه شخصی بنام قهرمانه از تهران به لندن رسیده (در زمانی که جنگ جریان دارد و مسافرت‌ها محدود است و جز در موارد استثنائی اجازه خروج داده نمیشود) و این شخص بلافاصله به سفارت عراق در لندن رفته است (سفارت کشوری که با ایران در حال جنگ است، به همین انقلابی مانع از ورود و خودسازمانده حملات و یورشها به سفارت ایران بوده، که حتی منجر به شهادت دیپلماتهای ایرانی نیز شده است).

ما البته از محتوای مذاکرات خبری نداشتیم، ولی خبری که از آن بود که مذاکرات مفصل بوده است، ما میدانستیم که این آقا قهرمانه کیست، از طرف چه کسی به لندن رفته، چه ماموریتی بهمه داشته و بنام چه کسی صحبت میکند؟ در این شرایط فکر میکنید که وظیفه يك ایرانی طرفدار انقلاب جمهوری اسلامی ایران چیست؟ گفتیم و تکیه میکنیم که وظیفه يك ایرانی طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، البته يك ایرانی ضد انقلاب، یا يك ایرانی بی‌تفاوت

ما البته از محتوای مذاکرات خبری نداشتیم، ولی خبری که از آن بود که مذاکرات مفصل بوده است، ما میدانستیم که این آقا قهرمانه کیست، از طرف چه کسی به لندن رفته، چه ماموریتی بهمه داشته و بنام چه کسی صحبت میکند؟ در این شرایط فکر میکنید که وظیفه يك ایرانی طرفدار انقلاب جمهوری اسلامی ایران چیست؟ گفتیم و تکیه میکنیم که وظیفه يك ایرانی طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، البته يك ایرانی ضد انقلاب، یا يك ایرانی بی‌تفاوت

مطلب منتشره در جراید، بارها رسیدگی کرده و داخلاق مسئولان سطح بالای مملکت و آقای رهبر جمهور، تنها مسئله مورد نظر هیئت نیست؛ آقای نویسنده قاعدتاً مرد سیاست است و باید بداند که روز ۳۰ فروردین ۶۰ آقای یزدی، سخنگوی هیئتمنفری به مسئولین جراید تذکر داد و گفت:

«دگرچنانچه تخطاتی از آنها دیده شود ضمن تقیب قانونی، به مردم نیز معرفی خواهد شد. آقای نویسنده باید قاعدتاً لاقلاً اعلامیه شماره يك هیئت سفتری را خوانده باشد که در آن گفته میشود:

«دیده میشود که متأسفانه پاره‌ای از روزنامه‌ها و مجلات تخطاتی داشته‌اند. هیئت برخورد لازم میداند برای حفظ آرامش به کلیه روزنامه‌ها و مجلات تذکر دهد که از عنوان نمودن مطالبی که موجب تصفیه یا توهین و یا تشدید اختلاف میشود، خودداری کنند. بدیهی است که مسئولین محترم جراید باید از حسن نیت رهنمودهای امام را تصبالحین قرائت خواهند داد.» (جراید ۲۶ فروردین ۶۰)

روشن است که جراید و وظایف آنها و تخطات آنها نیز مورد نظر هیئت است. مسئله آرامش تنها به مسئولان سطوح بالای مملکتی کشور؛ محدود نمیشود و همه کسی، منجمله روزنامه نگاران، و از جمله نویسنده «وقایع انقلاب» باید رهنمودها را تصبالحین قرار دهد. حال فرض کنیم که نویسنده «وقایع انقلاب» همه این اسناد رسمی و اظهارات رسمی هیئت را شنیده و نخوانده است. ولی لاقلاً ضرور میبود که سخنان هیئت اسلام اشراقی، نماینده رئیس جمهور در هیئت سفتری، را، آنهم در پایان دیدار روز ۷ اردیبهشت ایشان با رئیس جمهور و فرمانده کل قوا خوانده باشد و به آن احترام گذارد. آقای اشراقی گفته است: «روزنامه‌ها در جوابی نمی‌توانند که آرامش حفظ شود و جو ملایم ملایم یافان، تا مسئولیت جوانان در این موقع حساس مملکتی به اوضاع مملکت برسد. در این جو است که ما میگوئیم روزنامه‌ها ملایمتر قلم در دست بگیرند.»

حال این سؤال پیش می‌آید: این آقای نویسنده در روزنامه «انقلاب اسلامی» چگونه حتی خط نماینده رئیس جمهور در هیئتمنفری را نمی‌خواند و می‌گفت و درباره وظایف روزنامه در جو کونی و به تکلیف هیئت سفتری در قبال روزنامه‌ها کردن نمیداند؛ چه کسانی و چرا نمیکذارند جو ملایم ملایم یافان؛ چه کسانی نفع دارند که آرامش حفظ نشود و بهای توهین و افترا و تشنج، تشنج می‌آفرینند اینچه ماموریت نامیوز این است که اجرا میشود یا جای آن نیست که بازم توجه هیئت سفتری به این موضوع، برای پایان دادن به این رویه زاینختی، جلب شود؟

نامه يك افغانی به «دادگاه بین المللی استکهلم»

يك افغانی بنام «حاج غلام ساهری» نامه‌ای به دادگاه بین المللی استکهلم درباره جنایات امپریالیسم آمریکا و متحدان و دست نشاندهان و مزدورانش در افغانستان نوشته، که توسط «خبرگزاری یو.پی.اس» انتشار یافته است. در زیر ترجمه این نامه به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

«بناك من تنها فرزندم يك خانواده سفتری هستم. در ماه مارس ۱۹۷۹ خرابکاران مسلح مورد حمایت آمریکا، با سلاحهای آمریکایی خانه ما را مورد حمله قرار دادند و هفت نفر از اعضای خانواده مرا کشته کردند. در میان آنها زن، کودک و پیرمرد وجود داشت. خانواده دهقانی فقیر ما روزگار خود را از طریق زراعت و دستفروشی خود میگذرانید. ما قلمه زمینی را میکاشتم که، پس از انقلاب ثور در کشورمان، بما داده شده بود. ولی دشمنان مردم افغان بیوسه برمال و جان ما تجاوز میکردند. این خرابکاران برای انجام «کار کشتیف خود یعنی قتل و جنایت، مورد حمایت دولتهای آمریکا، چین، مصر و پاکستان قرار داشتند. اینها سلاحهایشان را از آنها دریافت میکنند و به کشور ما اعزام میشوند.

مردم ما بغیرت هستند و نمیتوانند خود را با جنایت و تجاوز سازگار کنند. من یکی از فرزندان مردم شریف افغان هستم، يك قریانی جنایات امپریالیسم آمریکا و مزدوران آنها، و من تأکید میکنم: اگر اتحاد شوروی درخواست دولت ما را نمی پذیرفت و بخش محدودی از سربازان خود را به افغانستان نمی فرستاد، اوضاع و احوال در کشور ما فاجعانهتر میشد و مردم ما در معرض تهدید يك خطر قرائ می گرفتند. مردم ما از اتحاد شوروی، بخاطر نجات ما از تجاوز آمریکا و چین، متشکرند. سربازان شوروی چون همه مردم شوروی دوستان ما هستند. آنها در مزارع کار نمی کنند. آنها با دهقانان و کارگران ما کار میکنند و از کشور ما در مقابل ادامه تجاوز، همدوش با نیروهای مسلح ما دفاع میکنند.

چرا دولتهای ایالات متحده آمریکا، چین، مصر و پاکستان ما را به حال خود نمی گذارند؟ ما به هیچ کسکی احتیاج نداریم. ما حداقلیم که دوستانمان را خودمان انتخاب کنیم. ولی دشمنان، دستبردار نیستند. در ماه مارس گذشته، خرابکاران به کشور ما اعزام شدند و پنج تن دیگر از مسوولان و نزدیکان مرا، که از دهقانان مسوول و زارعین زمینهایشان بودند، کشتند. من با تمام وجود مصمم هستم تا انتقام پدر، مادر، خواهر، برادر، همسر و دیگر اعضاء خانواده ام را، که توسط خرابکاران کشته شدند، بگیرم. مردم ما بصورت تن واحدی برای مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و مزدورانش درآمده‌اند و همه مصمم هستند که از انقلاب ثور در برابر دشمنان خونخوار و کشتیف‌دفاع کنند.

المیتان ما به اتحاد شوروی، که دوست صمیمی ما است، روزافزون است. من از شما مدافعان عدالت و قانون می‌خواهم. ما نازا در مقابل جنایات امپریالیسم و سلفه‌طلبان چینی و مزدورانشان حمایت و حفاظت کنید. ما از شما عدالت و قانونیت میخواهیم. مردم افغان امپریالیسم آمریکا و جنایاتش را علیه کشور ما هرگز فراموش نمیکند.»

(در باره باصلاح دادگاه بین المللی استکهلم علیه افغانستان و اتحاد شوروی)

کارزار تبلیغاتی برهیاو علیه انقلاب افغانستان، که توسط رسانه‌های گروهی غرب بشدت ادامه دارد، هدفش مخفی نگه داشتن حقیقت است. سخن برسر جمل و تحریف حقایق، طبق يك نقشه پیش‌بینی شده است و جز این چیز دیگری نیست. حال هر قدر هم بخوانند در هیات‌های تحریری روزنامه‌های غرب، این حقیقت را نفی کنند. واضح است که هیات‌های تحریری این روزنامه‌ها خوب میدانند که گزارشهای آژانسهای اطلاعاتی غرب و بویژه آژانسهای آمریکا درباره افغانستان، ذماری ارزش اطلاعاتی ندارند، و این قسط تبلیغاتی سیاست خارجی آمریکا است. لیکن داروطلبان متصبی پیدا میشوند که بلاشرط این «خبر» را، که منبع آن معمولاً قسط سازمان صهیانست، درج میکنند.

چرا؟ برای اینکه انقلاب افغانستان، صرف نظر از مشکلات و تنگناهای بزرگ خود، يك نمونه الهام بخش برای کلیه خلفهای مظلوم و ستمدیده است، و همه رژیمهای دیکتاتوری و استثمارگر جهان از این میترسند. برای امپریالیسم هیچ چیزی مخوفتر از انقلاب اجتماعی وجود ندارد، و به همین دلیل میکوشد که تمام قایمی را که در افغانستان روی داده و میدهد، مسکوت گذارد و واقیبات را جمل و تحریف کند. در سال ۱۹۷۵ آمریکا، آسیای جنوب شرقی را «از دست داده» در سال ۱۹۷۸ ایالات متحده شروع به «از دست دادن» آسیای غربی، ایران و افغانستان نمود. ایالات متحده هرمنطقه‌ای را که خلفهایش به مبارزه در راه استقلال ملی و عدالت اجتماعی برمیخیزند، «از دست دادن» موضوع خود میبندد، مثلاً این است که واقفا حق صلح بر مناطق مختلف جهان را داشته است. و هر اندازه امپریالیسم اراضی بیشتری را «از دست میدهد»، بهمان اندازه بیشتر دچار سردرگمی میشود و این جنگ تبلیغاتی علیه افغانستان، که ایالات متحده در رأس آن قرار گرفته، از همین جا آب میخورد.

جای تأسف و مایه نگرانی است که پاره‌ای از نویسندگان و هنرمندان سوئدی و خارجی خود را در اختیار ارتجاع اقرابلی گذاشته‌اند و میخواهند در جنگ اعلان شده علیه مردم افغانستان، مردمی که خواستار آزادی و استقلال هستند، در استکهلم شرکت کنند.

نمایش ناهنجار

این نیز يك حقیقت مسلم است که انقلاب برای اولین بار در تاریخ مردم افغانستان امکان داد که، بر مبنای دموکراتیک، بر سیاست و بدین طریق بر زندگی خصوصی خود نیز تأثیر بگذارند. لیکن در بنیانه میبندند بگویند که کمک به این انقلاب حاکمیت کشور و حق مردم افغانستان در تعیین بلا ماعت سرنوشته خود، نقض می‌کند. نه، همانا انقلاب اجتماعی در آوریل سال ۱۹۷۸ بود که مردم این کشور امکان داد که آزادانه سرنوشته خود را برگزینند. موقیتهای مردم افغانستان میتوانند مایه خوشحالی کلیه افراد خیراندیش کره زمین گردد.

ولی متأسفانه اطلاعات درست و واقعی درباره تغییراتی که در افغانستان روی میدهد، بویژه بافقان خود در جراید غرب، از جمله در جراید سوئد، انظار را بخود جلب میکند و سازماندهندگان «دادگاه» نیز از این فقدان استفاده میکنند. لیکن برغم تمام جعلیات اخبار گمراه کننده، حقیقت آنکار نا پذیر است که حاکمیت افغانستان و حقوق خلفهای آن را با بصوصم پشتیبانی از خارج، که ارتجاع بین المللی در اختیار ضد انقلاب میکذارد، نقض میکند.

يك دعو، دعو دیگر را می‌آفریند. و این، بخصوص موصی ثابت میشود که اتهام علیه اتحاد شوروی در «دادگاه» اقامه میشود. هر گاه دلیل و برهانی برای اقدام اتحاد شوروی در ارتقای نقش منشور سازمان ملل متحد و یا جنگ آن علیه مردم افغانستان و بیعبارت دیگر «اتهامنامه‌ای» وجود میداشت، آیا مجراید آزاده غرب در انتشار آن درنگ میکردند، همان جرایدی که در روز روشن با جراع دنبال این دلایل میگردند و چون پیدا نمیکند، خودشان آنها را میسازند؟ برعکس، دلایل و شواهد مستند بیشماری در دست است که جنایت و تبهکاری علیه مردم بیگناه و افراد غیر نظامی را به ثبوت میرساند، جنایاتی که فیریک‌های قسرا قلب، و خشیانه علیه زنان بی‌چادر و یا کودکانی که بدمرسه میروند، مرتکب میشوند. آنها میخواهند بر قیستی شده افغانی‌ها را از زندگی شایسته انسانیت محروم سازند.

بابی سندز!

بگزارش خبرگزاریهای مستوفی، مبارز ایرلند شمالی، درصورتوششمین روزاعتصاب غذای خود، درصورتیستوهفتسالگی، جان سپرد.

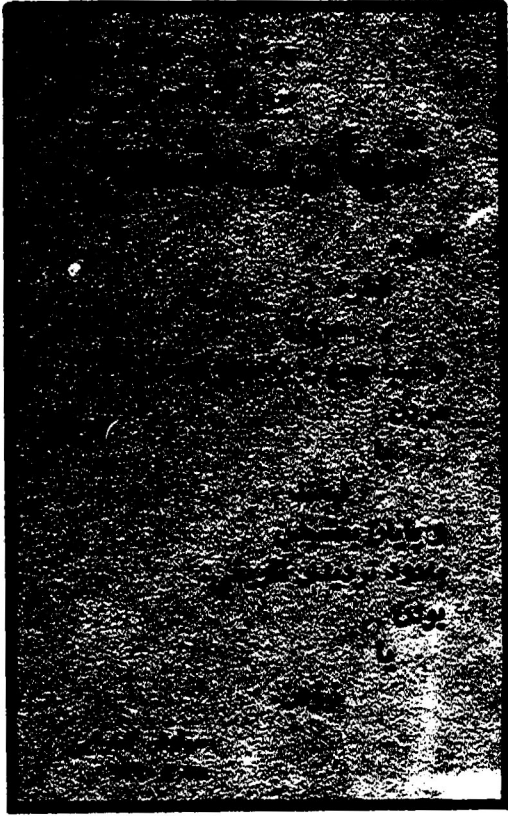
دایرین (بابی) جمراردسندز، چهره برجسته جنبش مقاومت ایرلندشمالی، بخاطر مبارزه علیه اشغالگران انگلیسی، به ۱۴ سال زندان محکوم شده بود. اما مخالف حاکم بریتانیا، که همیشه میل داشته‌اند، کشور خود را بمنزله «مهد آزادی و دموکراسی» جایزند، این مبارز سیاسی را نیز «تروریست» و «جنايتکار» قلمداد کردند. چنین ادعای ریاکارانه‌ای، از سوی استعمارگران لندن‌نشین، پدیدآمده‌تره و شگفت‌انگیزی نیست. درصورتی‌های پیشین بریتانیا، کمتر جنبش آزادی‌بخشی را می‌یابیم که، «جنتلمن‌های انگلیسی» پس آن نام «جرگه تروریستی» نهاده باشند و کمتر رهبر انقلابی است که سالها از قسمت آزادیخواهی و دموکراسی‌طلبی، استعمارگران بریتانیایی، البته در زندان و شکنجه‌گاه، دهرمنده شده باشد.

پدینسان، خاتم تاجر نیز میتواند بخود خیالنه که یمنین دیرین آیه و اجداد خویش وفادار باقی مانده است. «دیوانی‌آهین» لندن، نه تنها آرای آزادی‌طلبانه، هزاران ایرلندی را در «دلفاسته»، «لندن‌دری»، «تیوری»، «دانگانون» و دیگر شهرها و شهرک‌های ایرلند شمالی ناشنیده گرفت،



که بابی سندز حتی يك لحظه، از شست‌ترین پارلمان بریتانیا، خواستهای حقه خود و همه شهروندان خود را بگوش مردم این کشور برساند.

دقتار «بشردوستانه»، «آزادیخواهانه» و «پارلمنتاریستی» دولت بریتانیا در برابر بابی سندز، مبارزه، موجی گسترده از خشم در سراسر جهان برانگیخت. اما «دیوانی‌آهین»، «آهین» ماند و گفت «جرم جرم است» شاید خانم تلچر بیندیشد که یا دستهای «آهین» خود توانسته‌است پس «مجرم‌های بلوک اچ زندان میز» دیروزه شود. ولی آینده نشان خواهد داد که مبارزان ایرلند شمالی نیز، چون بسیاری از خلق‌ها پیش از آنها، زنجیر «آهین» استعمار انگلستان را از هم خواهند گسلید و چون آهن‌پاره‌ای یزیدالهدان تاریخ خواهند آنگند.



بابی سندز، پس از شصت و شش روز اعتصاب غذا درگذشت

بگزارش خبرگزاریها، بابی سندز، قهرمان ایرلند شمالی، پس از شصت و شش روزاعتصاب غذا، در ساعت يك و هفت دقیقه

یاسمداد ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰، درگذشت. بابی سندز خواستار آن بود که به‌ار و دیگر هم‌ندانش، موقتیت زندانی سیاسی، داده شود اما دولت تاجر، که او و یارانش را «تروریست» می‌خواند، از برآوردن این خواست حقه او خودداری ورزید.

بابی سندز همچنین چند هفته پیش به نمایندگی پارلمان بریتانیا انتخاب شده، ولی دولت محافظه‌کار او حضور او در مجلس عوام جلوگیری کرد.

بابی سندز، چند روز بود که بی‌تابی و شنوائی خود را از دست داده بود و آخرین ساعات عمر خود را در آنها بسر برد.

در پی پخش خبر مرگ بابی سندز، تظاهرات وسیعی سراسر ایرلند شمالی را به لرزه درآورد. در دلفاسته، دری و دیگر شهرها هزاران نفر به خیابانها ریختند و، ضمن آیراز خشم خود از لاکت بابی سندز، خواستار آزادی «آلستر» و زندانیان سیاسی و خروج نیروهای انگلیسی از کشور خود شدند. بویژه در محله‌های کارگری، مردم به ایجاد ستکر دست‌زداندند. در دلفاسته، سربازان انگلیسی بسوی مردم تیراندازی کردند. بسیاری از تظاهرکنندگان زخمی و عسدهای نیز دستگیر شدند.

سربازان انگلیسی، که چندین روز بود در حال آمادگی زخمی بسر می‌رودند، به مقابله‌وحشیانه با مبارزان ایرلندشمالی پرداختند. بویژه گزارشی، حال یکی از سه‌تن زندانی دیگر زندان «هیز» نیز، که چندین‌بار از بابی سندز، به اعتصاب غذا پرداخته، پس‌از ۵۲ روز بسیار وخیم شده‌است.

گردهمایی مادریده کار خود را از سر می‌گیرد

روز شنبه، ۱۵ اردیبهشت ۶۰، درمادریده، گردهمایی کشورهای امضاءکننده «کنفرانس امنیت و همکاری اروپا» کار خود را از سر گرفت. فعالیت این گردهمایی اکنون به مرحله نهایی خود نزدیک می‌شود. بسیاری از نظران مستمند که مهم‌ترین وظیفه «گردهمایی مادریده» حصول توافق درباره فراخوانی کنفرانس درباره تنش‌زدایی نظامی و خلع سلاح در اروپا است.

هرچند هیچک از نمایندگان شرکت‌کننده در گردهمایی نامبرده ضرورت این امر را منکر نیستند، ولی هنوز در میان آنها برخی اختلافات موجود است.

اتحاد شوروی، با اعلام آمادگی خود درباره گسترش تدابیر امتدادآفرین به سراسر بخش اروپایی کشور، گام بزرگی در راه کمک به موقتیت «گردهمایی مادریده» برداشته است. اتحاد شوروی اظهار امیدواری کرده است که قرب نیز به اقدام هائنده دست زند.

وزیر خارجه آمریکا در اجلاس «ناتو» هم پیمانان اروپای غربی ما باید بیشتر از ما پشتیبانی کنند

از دم گزارش می‌رسد که مناسبات میان شرق و غرب، مهم‌ترین موضوع نخستین روز اجلاس کنفرانس وزیران خارجه کشورهای «ناتو» بود.

چندین وزیر خارجه کشورهای اروپایی عضو «ناتو»، ضمن انتقاد از سیاست ایالات متحده آمریکا، از «واشیتنگتن» خواستند که هرچه زودتر مذاکرات با اتحاد شوروی را درباره تحدید موشک‌های هسته‌ای در اروپا از سر گیرد.

بویژه گزارشی، الکساندر هیگ، در پاسخ خود، تنها به «گفتگوهای مقداری» اشاره کرد. از سوی دیگر، وی از هم‌پیمانان آمریکا خواست، تا با جدیت بیشتری از تقه‌های ایالات متحده آمریکا درباره استقرار موشک‌های هسته‌ای جدید در اروپای غربی، به هواداری بپردازند.

رئیس‌جمهوری زامبیا وتوی کشورهای غربی را در «شورای امنیت» درباره قطعنامه نامسی‌یها محکوم کرد

کت کاتوندا، رئیس‌جمهوری زامبیا، وتوی کشورهای غربی را در «شورای امنیت» علیه پیش‌نویس قطعنامه کشورهای آفریقایی درباره «مجازات همه‌جانبه» و «اجباری» رژیم آپارتاید محکوم کرد. وی، که در کنفرانس درباره آپارتاید در لیونگستون (زامبیا)، که از سوی سازمان بین‌المللی کار، برگزار شده بود، سخن می‌گفت، اظهار داشت که این قطعنامه، بگفته کاتوندا، وظیفه این عوامل عوامل خرابکار کمک می‌رساند. بگفته کاتوندا، «تصمیم‌گیرنده‌است». «پراگماتیسم» رژیم‌های کشورهای صاف مقدم «جبهه» تعیین گردیده‌است. کت کاتوندا از زحمتکشان سراسر جهان خواست تا هیستکی خود را علیه رژیم آپارتاید تقویت بخشند.



کنفرانس همبستگی بین‌المللی یا مردم کامپوجیا خرابکارهای واشیتنگتن و چین را علیه خلق کامپوجیا محکوم کرد

«کنفرانس همبستگی بین‌المللی یا مردم کامپوجیا» پیش از پایان اجلاس خود در پنون، خلق‌های همه کشورهای را به کمک به «جایی ملی» کامپوجیا فراخواند. بیانیه کنفرانس برای «کمک‌های مستوفتانه» اتحاد شوروی، ویتنام و دیگر کشورهای سوسیالیستی» قدر فرازان قائل می‌شود و خرابکارهای مشترک واشیتنگتن-چین را، علیه خلق کامپوجیا محکوم می‌کند.

وزیر کشور نیکاراگوئه: ما قصد تسلیم و تجاوز به دیگر کشورها را نداریم

توماس یورخه، وزیر کشور نیکاراگوئه، ایالات متحده آمریکا را بخاطر تنش‌آفرینی در آمریکای مرکزی نکوهش کرد. وی، در گفتگو با خبرنگاران خارجی در ماناگوئه گفت که ایالات متحده آمریکا جنگ-اقرار و کارشناس نظامی به رژیم‌های مرجع السالوادور، هندوراس و گواتمالا در آمریکای مرکزی می‌فرستد.

توماس یورخه یادآور شد که «نیکاراگوئه» کسی را تسلیم نمی‌کند و قصد «آزاد نگارند» که به کشورهای همسایه حمله‌ور گردند.

استعفای هشت وزیر کابینه سوئد

نخست‌وزیر سوئد استعفای هشت وزیر کابینه را پذیرفت. هشت وزیر نامبرده ملت استعفای خود را اختلافات شدید در باره برخی مسائل اقتصادی، بویژه سیاست مالیاتی، ذکر کرده‌اند.

نخست‌وزیر ژاپن در واشیتنگتن

روز ۱۵ اردیبهشت ۶۰، سونوگامی، نخست‌وزیر ژاپن، وارد ایالات متحده آمریکا شد. وی قرار است، روز بعد گفتگو‌های خود را با ریگان آغاز کند.

بگزارش خبرگزاری فرانسه، در طرف خواهد کوشید تا اختلافات شدید خود را رفع سازند. این اختلافات، از جمله، گسترش نفوذ اقتصادی ژاپن در ایالات متحده آمریکا و خواست «واشیتنگتن» برا درباره افزایش همکاری‌ها در نظامی از سوی ژاپن دربر می‌گیرد. سونوگامی قصد دارد که مسئله فرق شدن یک کشتی باربری ژاپن را بوسیله یکی از وزیران دریایی هسته‌ای آمریکا نیز مطرح کند.

یادآور می‌شویم که چند هفته پیش، یکی از زیردریایی‌های هسته‌ای آمریکا، پس از تصادف با کشتی باربری ژاپن، سبب فرق این کشتی شد و خیال آنکه کسی از این حادثه آگاه خواهد گردید، بدون کوشش برای نجات سرتیپان ژاپنی، محل رویداد را ترک کرد. چندتن از این سرتیپان، که از حادثه نامبرده جان سالم بدر بردند، این موضوع را فاش ساختند. رویداد نامبرده به تیرگی مناسبات میان آمریکا و ژاپن انجامید.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیژانی

خبرایان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (ناتو «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)

چاپ: کاویان

NAMEH MARDOM

No. 505
6 May 1961

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه متلقات دولتی و غیردولتی می‌توانند به آدرس زیر یا «نامه مردم» مکاتبه کنند:

مستوفی پستی
۱۳/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران